

فراس از جهنم داعش

ربیوار رمضان بارزانی

نام کتاب: فرار از جهنم داعش
آماده سازی: ریپوار رمضان بارزانی
موضوع: اسناد تاریخی
تایپ: ریزان صالح بارزانی
طراحی و برنامه ریزی محتوا و پوشش: ریپوار رمضان بارزانی
نسخه: اول سال: 2019
چاپخانه:
تعداد: 500
محل نوشته: کردستان - منطقه بارزان - روستای بازی



مقدمه

رفتار وحشیگرانه و بی رحمانه دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) با دختران و زنان ایزدی تمامی تعالیم زمینی و آسمانی را پایمال کرد.

شرعیت دادن به استعباد و تجاوز به بانوان ایزدی، یکی از برجسته ترین اصولی است که داعش در طول خلافت برای اندامان خود روا دیده و حلال دانسته بود، و به عنوان یک اصل و یک استراتیجیت احکامی بدان منظور صادر نموده. این خلافت علاوه بر قتل عمد، به سکسبازی و جهاد نکاح شهرت یافته.

داعش علی رغم جذب صدها جوان تشنه به سکس از دولتهای عربی و اسلامی توسط بانوان به اسارت گرفته شده، تعداد مسلحین خود را افزایش و دامنه قدرت و سلطه خویش را توسعه داد. برای بانوان با توجه به سن و زیبایی و خوش اندامی قیمت گذاری میشدند. و این امر به جز تخلف و بازگشت به صدها سال پیش و زننده ترین نوع تجارت با انسان چیز دیگری نیست.

تروریستهای داعش به شیوه های مختلف ددمنشانه با بانوان ایزدی برخورد کرده، مثل: (ربودن، هتک حرمت، به خدمت گرفتن آشکارا، جهاد نکاح بانوان، تجاوز جنسی و دهستبازی و غیره) این گونه رفتارها نه تنها به زیر پا گذاشتن قوانین بین المللی و حقوق انسان است، بلکه به زیر پا گذاشتن و عصیان و خروج از شریعت اسلامی و کلیه ادیان دیگر میباشد و به هیچ عنوان مورد قبول آنها واقع نشده و نمیشود.

در یکی از نامه های رسمی گروهک تروریستی داعش ضمن احتساب بانوان به عنوان غنایم جنگی این چنین در مورد رفتار با بانوان ایزدی را وصف کرده: "مستحضر شدیم که بازار خرید و فروش بانوان و غنایم جنگی دچار رکود شده که همین امر بر درآمد دولت اسلامی و هزینه های حملات مجاهدین تاثیر گذاشته، لذا هیئت بیت المال جهت بهبود وضعیت راهکار و شیوه و قیمت زنان و غنایم جنگی را تعیین نموده، و خواستار تطبیق آن میباشد. در غیر اینصورت متهم به اعدام مجازات خواهد شد."

داعش از طریق مجله الکترونیکی خود "دابق" که به زبان انگلیسی نشر میشود، برای رفتارهای ددمنشانه خود از قبیل ربودن بانوان و به غارت به دن دلیل تراشی کرده و در شماره (4) همین مجله قسمتی از آن را به این موضوع اختصاص داده و راهکارهای خرید و فروش و معامله کردن با زنان و دختران ایزدی را طرح نموده.

علاوه بر نشر چندین کتاب راهنما در مورد مسائل جنسی و تجاوز جنسی بر زنان به اسیر گرفته شده، برای مثال کتاب راهنما "دلیل نکاح الأسیرات" راهنمای نکاح زنان اسیر، و سپس کتاب راهنمای "سؤال و جواب السبی و الرقاب" را نشر نمود. این راهنما نامه 32 سؤال به خصوص طرز رفتار با زنان اسیر، همچنین تعدادی فتوا در مورد راهکار به عقد دارآوردن اسرا دربرگرفته. داعش این را به عنوان دلیل و برهانی جهت به حق دانستن هتک حرمت بانوان اسیر استعمال میکند.

ضمن اینکه جزئیات کار جنسی با زنان به اسارت گرفته شده در آن شرح و توضیح داده شده، و اجازه داده شده که آنها را به عنوان کنیزک بگیردند. همچنین در این کتاب راهنما در مورد زنان مرتد (برگشته از دین) بحث شده است.

در جواب سؤال (آیا فروش زنان به اسارت درآمدی جایز است؟ کتاب راهنما در جواب میگوید: (خرید و فروش آنها جایز میباشد و میشود به عنوان هدیه بخشیده شود، زیرا که تحت ملکیت هستند. بلکه میتوان از شر آنها خلاص شد اگر کشتن آنها ضرری برای ملت مسلمان نر بر نداشته باشد).

همچنین در جواب اینکه (آیا کار جنسی با دختر نابالغ جایز است؟) داعش در جواب میگوید: (جایز است اگر دختر آمادگی جنسی را داشته باشد. و اگر از آمادگی جنسی بر خوردار نباش میتوان جهت تمتع از او لذت برد به دون اینکه همبستری صورت گیرد).

دولت اسلامی (داعش) بر خلاف تمام ادیان و قوانین بین المللی و حقوق بشر، به انسان از طریق زور و ترس و ترور توهین میکند.

در مورد تعداد دختران و زنان ربوده شده هیچ آمار و شمارش دقیقی از آنها در دسترس نیست، زیرا که هنوز این نوع رفتار روزانه در جریان میباشد، و تعدادی از آنها خود را از دست داعش از کنار و گوشه ها نجات میدهند، به همین دلیل هیچ آماری نشر نه کرده

ایم، زیرا معلوماتی که در این مورد نشر و در دسترس میباشند بسیار مختلف و متباین میباشند.

دار حال حاضر و تا به چاپ رساندن این کتاب چندین هزار زن و دختر کورد و کوردستان زیر سلطه داعش هستند، و به همین دلیل در این کتاب آمار ربوده شدگان ایراد نشده و از سرنوشت اسرا و زنان و دختران فروخته شده خبری نیست، و آیا زنانی هستند که بتوانند خود را از دست آنها نجات بدهند؟ زیرا که روزانه خبرهایی به خصوص نجات یافتن دخترانی به گوش میرسد، در حالی که زنان و دخترانی ایزیدی زیادی بودند تحت این شرایط دست به خود کشی زده اند.

این مجموعه از کتاب، که به صدد نشر آنها هستم (در خصوص زنان و دخترهای ایزدی ربوده شده اند سپس خرید و فروش شده اند و مورد تجاوز قرار گرفته اند و شکنجه داده شده اند و سپس رهایی یافتند). ما بیشتر با استناد بر داستانهای واقعی - تراژدی زن و دختران نجات یافته و گزارش های رسانه ها (سمعی - بصری - نوشتاری) که از زبان خود آنها به ثبت رسیده، اقدام به این صدور آنها کرده.

کتابها به زبان های (کوردی، عربی، فارسی، انگلیسی) ثبت و نشر یافته. در کتابها به جز عکسهای نجات یافتگان که در ذیل آنها اسامی آنان وارد شده، در همه صفحه ها عکسای وجود دارند که شاید به طور مستقیم به موضوع ربط نداشته باشند ولی به طور کلی از نسل کشی، قتل دسته جمعی، آوارگی، سختیها، مشکلات، زندگی، فرهنگ، عادات و تقالید، دین، مذهب و عقیده ایزدیها سخن میگوید.

هدف ما شناساندن و عرض نمودن حقیقت اتفاقات و جرم های بی است که در قرن بیست و یک بر ضد ایزدیها استعمال شده، یک نسل کشی، که در ذهن انسان نمیگنجد. بی شرفمندانترین جرمها

در این نسل کشی صورت گرفته، عکس‌ها خودشان بیانگر این ماجرا هستند، احتیاجی به زیرنویس کردن آنها نبود، عکسها نیز همچون داستانها مدارکی انکار ناپذیر هستند. تا بدانند که داعش از هر نوع اخلاقی متخلی است، آن شرف و حفظ ناموسی که آنها از آن سخن به میان می‌آورند به جز دروغی بزرگ چیز دیگری نیست. باید گوش داد به حرفهای آن زنان و دختران سرخ روی ایزدی که خرید و فروش شده‌اند و الآن بازگشته‌اند.

اصلاً اگر بخواهیم تعریفی از داعش داشته باشیم باید گفت: "گروهک یا جمعی است جاهل و وپراز خوسته‌ها و آرزوهای به دل مانده سرکوب شده، که هدفشان تنها و تنها زن است، و در همین راستا همه نوع جرمی را انجام می‌دهند".

علاوه بر روایت سختیها و آزار قوربانیان نجات یافته، که در یک قالب مستند ثبت و بایگانی شده، پروژه‌ی دیگری که ثمره این کتابها میباشد که عبارتند از:

یک موزه کوچک خانگی که وسایل و لباسهای ایزدیهایی که از دست داعش رهایی یافته و خود را به کوه شنگال و یا مناطق دیگر محافظه شده اقلیم کوردستان رسانیده، و همچنین وسایل و لباسها و لوازم زنان و دخترانی که توسط داعش ربوده و خریداری و فروخته شده و سپس مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، و به دستمان رسیده در بر گرفته، به عنوان قسمتی الحاقی به کتاب.

ریوار رمضان بارزانی
بارزان - روستای بازی

1

روایتی از بردگی جنسی برای داعش ماجرای تلخ دختر ۱۷ ساله ایزدی در اسارت داعشی‌ها

دختری ایزدی که بالاجبار به عنوان برده جنسی توسط داعشی‌ها به کار گرفته می‌شد، حالا در لندن از هویت یکی از آن‌ها می‌گوید.



نهاد برکات

دختری ایزدی که بالاجبار به عنوان برده جنسی توسط داعشی‌ها به کار گرفته می‌شد، حالا در لندن از هویت یکی از آن‌ها می‌گوید. این دختر جوان ایزدی می‌گوید که یکی از افراد مسئول او در داعش یک تکفیری بریتانیایی به نام جهادی سید (Jihadi Sid) بوده است.

این دختر ایزدی که به تازگی ۱۷ سالش شده می‌گوید سیدارتا دار

(Siddhartha Dhar) پدر ۴ فرزند است، اما یکی از افراد کلیدی در تجارت جنسی در خلافت خودخوانده داعش محسوب می‌شود. سیدارتا قبلاً فروشنده قلعه بادی در والتامستو لندن بوده، اما حالا در فاجعه هولناک قاچاق دختران جوان ایزدی دست دارد و حتی چند نفری را خودش به بردگی گرفته است. این دختر ایزدی در گفتگو با دیلی اکسپرس گفت: «بعد از اینکه من را در نزدیکی کرکوک عراق گرفتند، به دست فرمانده‌ای در موصل افتادم. اسم او ابوذر (Abu Dhar) بود... او دختران ایزدی را از آن خود می‌کرد. هر روز به من می‌گفت که مجبورم با یک مرد دیگر ازدواج کنم.



سیدارتا دار نقش کلیدی در بردگی جنسی در خلافت خودخوانده داعش ایفا می‌کند

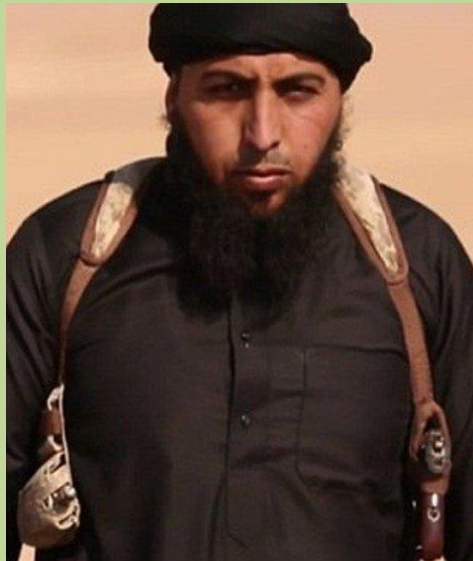


سیدارتا دار اصالتاً هندی است. او در سپتامبر سال ۲۰۱۴ میلادی از محله واتامستو در شمال شرقی لندن به سمت سوریه عازم شد. حتی گفته می‌شود که او احتمالاً همان داعشی است که چندین بار با ماسکی بر صورت در ویدیوهای منتشر شده از سوی داعش حضور داشته است.

سیدارتا که پیشتر از او به عنوان «جان جهادی جدید» نیز یاد شده، توسط دوستانش -سید- (Sid) خطاب می‌شده و مانند آنها از فیلم‌های اکشن و تفریحات این چنینی خوشش می‌آمده است. او حتی آرزو داشته روزی بتواند دندانپزشک سرویس بهداشت ملی بریتانیا (NHS) شود.



خانواده سیدارتا می‌گویند که او در نوجوانی و پس از مرگ پدرش تغییر کرد. او به یکباره به دین اسلام روی آورد و از تلویزیون و موسیقی روی برگرداند. سیدارتا حتی به عمد روی زمین می‌خوابید و به مادرش گفته بود که چون او مسلمان نیست، نمی‌تواند او را دوست داشته باشد.





پلیس و وزارت کشور بریتانیا در حال حاضر برای پاسخگویی به سوالات امنیتی پیرامون جذب سیدارتا به داعش به شدت تحت فشارند. پرسش اینجا است که چرا سیدارتا علیرغم اینکه به قید وثیقه توسط پلیس آزاد شده بود و شش بار نیز سابقه دستگیری را داشت، توانسته به سوریه برود.

یکی از قربانیان او «خانم برکات» است که همراه ۲۷ عضو خانواده و اقوامش ربوده شده و از خاک سوریه به موصل عراق منتقل شده بودند. خانم برکات تنها یک نمونه از هزاران غیرنظامی است که به موصل برده شدند.



نهاد برکات

نهاد (Nihad) که به تازگی ۱۷ ساله شده در همایشی در روز چهارشنبه در لندن از این ماجرا پرده برداری کرد

نهاد می‌گوید: «آن‌ها به ما تجاوز کردند. مردان ما را کشتند و بچه‌ها را نیز از ما دور نگه داشتند. بدترین اتفاق در موصل رخ داد. ما به مدت دو هفته تمام شکنجه شدیم. هر روز کتک می‌خوردیم و به ما تجاوز می‌شد... دختران را از خانواده‌ها می‌دزدیدند. سپس مرتب به آن‌ها تجاوز می‌کردند و در نهایت تحویل (امیرها) داده می‌شدند.» خانم نهاد برکات می‌گوید که آن مردی که به او تجاوز می‌کرد، چند هفته بعد مرد. سپس او به مرد دیگری سپرده می‌شد که خودش یک زن و یک برده جنسی داشت. آن مرد مرتب نهاد را به باد کتک می‌گرفت و به او تجاوز کرد تا اینکه یک ماه بعد نهاد باردار شد.

همایشی که نهاد در آن از ابعاد دیگر قصه تلخ زندگی اش رونمایی کرد، توسط بنیاد AMAR بریتانیا برگزار شده بود. هدف این بنیاد، ارتقا سطح تحصیل و سلامت در خاورمیانه است. نهاد در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: «با خودم فکر کردم که بچه درون شکمم هم یک داعشی است و در آینده مانند آن‌ها مجرم خواهد شد.»



نهاد برکات

خانم برکات یک پسر به دنیا آورد، اما توانست سه ماه بعد یعنی وقتی که پدر بچه می‌خواست او را به عقد یکی از اقوامش درآورد، از دست او فرار کند. نهاد با خانواده‌اش تماس گرفت. سپس استیو ممن، عضو گروه آزادی بخش کودکان ایزدی و مسیحیان در عراق (CYCI) او را نجات داد. نهاد می‌گوید: «من توانستم فرار کنم، اما مجبور بودم آن بچه را همانجا بگذارم.»

گروه تروریستی داعش بر این باور است که ایزدی‌ها عناصر مختلفی از مسیحیت، زرتشت و اسلام را به هم ادغام کرده‌اند و به همین دلیل آن‌ها شیطان پرست هستند.

بر اساس تخمین سازمان ملل، هنوز ۳۵۰۰ فرد توسط داعش در اسارت به سر می‌برند که اکثر قریب به اتفاق آن‌ها دختران و زنان ایزدی هستند.



نهاد برکات برای فرار مجبور بود بچه‌اش را همانجا رها کند. او در شهر سنجار عراق زندگی می‌کرد



نهاد برکات

شبه‌نظامیان سنی در سال ۲۰۱۴ موفق شدند کنترل حدود ۵۰۰۰ مرد و زن ایزدی را دست خود بگیرند که از بین آن‌ها ۲۰۰۰ نفر موفق به فرار یا خروج پنهانی از قلمرو داعش شدند. بیشتر جمعیت ایزدی‌ها، که تعداد آن‌ها به نیم میلیون نفر می‌رسد، در اردوگاه‌هایی در عراق و شمال کردستان زندگی می‌کنند. نهاد حالا همراه مادر، پدر، برادران و خواهران خود در یکی از همین اردوگاه‌ها زندگی می‌کند و با بنیاد AMAR نیز همکاری می‌کند. او تصمیم گرفت که برای آگاهی دادن به دیگران به لندن برود و برای آن‌ها سخنرانی کند.



نهاد برکات

این در حالی است که دو برادر و دو خواهر نهاد همچنان در اسارت داعش به سر می‌برند. او می‌گوید: «این زندگی نیست... ما تا زمانی که افراد دیگر از دست داعش آزاد نشوند، نمی‌توانیم زندگی کنیم. به شما التماس می‌کنم تا به مردم ما کمک کنید. آن‌ها را از دست داعش خلاص کنید، به خصوص بردگان جنسی، دختران جوان و بچه‌ها را.»



نهاد برکات



نهاد برکات



نهاد برکات



نهاد برکات

2

روایت وحشتناک زن ایزدی از داعش



سیدو جریان دیگری را هم تعریف می‌کند و می‌گوید: «زنی دو بچه‌اش را که از تشنگی و گرسنگی مرده بودند کنار خود روی زمین گذاشته بود. من هم چاره‌ای نداشتم جز آنکه خودم را برای مرگ فرزندانم و مواجهه با چنین وضعی آماده کنم».

«هیچ کس نمی‌تواند مصیبت کس دیگر را درک کند مگر آنکه آنچه او کشیده را با گوشت و پوست و استخوان خودش لمس کند. حالا چطور انتظار دارید کسی که که از دور نشسته و فقط خبرهای جنایات داعش را می‌خواند، حجم و عمق مصیبت قربانیان این سازمان خوانخوار را بفهمد؟».

«لیلی سیدو» ، بانوی ۲۶ ساله عراقی، با این جمله روایتش از داستان وحشتناکی که به دست داعش طی چند روز برای او خلق شده را (در مصاحبه با روزنامه «الغد» اردن آغاز می کند).

سیدو، روزنامه نگاری از اهالی شهر سنجار در غرب موصل در صحرای عراق است. وقتی شهر موصل به دست داعش سقوط کرد، آنان به یکی از کوه های اطراف شهر گریختند، و او یکی از زنانی است که توانست از محاصره و تعقیبی ۹ روزه داعش در اطراف این کوه ها جان به در ببرد.



سیدو در این مصاحبه، جزئیات تجربه وحشتناکش را تعریف می کند. از کلمه کلمه روایتش پیداست که این تجربه هرگز از خاطرش محو نخواهد شد، تجربه زیر پا گذاشته شدن بی شرمانه حقوق انسان در داستانی هراس انگیز و ۹ روزه.

او تنها یکی از قربانیان داعش است که به دلیل وابستگی به یکی از اقلیت ها در معرض هجوم قرار می گیرند. سیدو جزو طایفه ایزدی

عراق است و هیچ وقت به ذهنش خطور نکرده بود که داشتن مذهب ایزدی ممکن است روزی زندگی خودش و دو فرزند خردسالش را به خطر بیفکند.

سیدو سعی می کند در آغاز روایتش تا حد ممکن به خود مسلط باشد، می گوید: «عصر روز دوم آگوست [۱۱ مرداد ۱۳۹۳] همراه با یکی از خانم های همسایه به بازار رفته بودم. در بازار که بودیم همسایه ام گفت شایعه شده که داعش همین روزها به سنجار می رسد.» سیدو می گوید که این شایعه را جدی نگرفته چرا که به روایت امنیتی دولت و احزاب موجود در شهر اطمینان داشته که تأکید داشته اند «شهر در برابر داعش، امن و امان است..»



به رغم اینکه سیدو می خواسته این شایعه را بالکل ندیده بگیرد، آن همسایه سنی مذهبش به او توصیه می کند که احتیاط کند، خصوصا که ایزدی است و برای داعشی ها جزو «المغضوب علیهم» به حساب می آید. از اینجا، نگرانی به دل سیدو می افتد. با

شوهرش (که در منطقه دهوک در نزدیکی سنجار بوده) تماس می گیرد تا درباره درستی آن شایعه پرس و جو کند. شوهرش هم با یک جمله ساده، صحت خبر را رد می کند: «تو مشکلات این است که هرچه می شنوی را باور می کنی.»



سیدو می گوید عصر چند روز بعد، این شایعه کم کم تبدیل شد به یک «یک خبر نسبتاً دقیق» و «سریعا درمحله محل سکونت ما شروع به پخش شدن کرد. من هم برای احتیاط از همان همسایه ام خواستم که آن شب را در منزل آنان بخوابم. آن شب تا دیر وقت از طریق شبکه های اجتماعی در اینترنت اخبار را دنبال می کردم. جالب آنکه همگی شان به ایزدی ها اطمینان می دادند که داعش ادا به سنجار نزدیک نشده است و سنجار در امنیت کامل، و همه شایعات موجود بی اساس است.»

تنها چند ساعت که گذشت، سیدو فهمید که تمام حرف های رسانه ها باد هوا بوده: در سحرگاه فردا با صدای همسایه اش از خواب بیدار شد که به او می گفت سریع خودش را جمع و جور کند و وسایل بچه هایش را بردارد و آماده شود که از منزل او بگریزد. چیزی که باعث شد مطمئن شود خبر نزدیک شدن داعش صحیح است دو تماس تلفنی بود که می گفت در منطقه «جرزریک» که تنها ۱۵ دقیقه با سنجار فاصله دارد، درگیری سختی با داعش در جریان است. میگوید: «ما فقط دو راه داشتیم، یا فرار یا تسلیم شدن به مرگ. چیزی که تا قبل از آن خوانده بودیم این بود که وقتی حکومتی شکست می خورد، نظام می رود ولی مردم سر جایشان می مانند ولی درباره داعش قضیه کاملاً فرق می کرد.»



در ساعت ۸ صبح، برادر همسرش می آید و او و دو بچه اش را با خود به بیرون سنجار می برد چرا که درگیری ها به نزدیکی سنجار رسیده بوده. در طول مسیر، مردم را می بیند که از ترس گلوله جنگی

می‌گریزند. نهایتاً به منطقه ای می‌رسند که پر بوده از موانع امنیتی شنی. فلذا مجبور می‌شوند بقیه راه را تا رسیدن به روستای «سُلاخ» پیاده بروند.

در آنجا سیدو به خانه یکی از اقوام همسرش می‌رود: «در آنجا خبرهایی می‌رسید که سنجار به دست داعش افتاده است. اگر ده دقیقه دیرتر از خانه ام بیرون می‌آمدم جان خودم و بچه‌هایم توسط داعش گرفته می‌شد.»

ادامه می‌دهد: «آن روز صبح، وقتی که در منزل اقوام همسرم بودم، از پنجره بیرون را نگاه می‌کردم که [در فاصله ای دور] مردانی سیاه پوش را دیدم که به سراغ مزار امامزاده سیده زینب (که زیارتگاه شیعیان بود) رفته و منفجرش کردند.»



اینجا بود که سیدو و اقوام همسرش می‌فهمند که نیروهای داعش به نزدیکی روستای سلاخ رسیده‌اند: «سراسیمه رفتیم سراغ ماشین

ها تا به کوه فرار کنیم. مردم را می دیدیم که به همان سمت فرار می کنند. داشتیم با چشم خودمان صحنه یک کوچ دسته جمعی را می دیدیم. موقعی که در راه بودیم، آواره هایی را می دیدم که با لباس های زیر در حال فرار بودند. برخی اشخاص را می دیدم که فرصت نکرده بودند کفش به پا کنند. در نهایت به پایین کوه رسیدیم.»

آنجا که بودند، دوستان غیر ایزدی سیدو با او تماس می گیرند و توصیه می کنند که جانش را نجات دهد. می گوید: «یک دوست مسلمان داشتم که تلفن زد و پیشنهاد داد مرا بردارد و محجبه ام کرده و ادعا کند که مسلمانم [مسلمان از تعریف داعش]. ترسیدم که کارت شناسایی بخواهند. اینجا بود که چیزی ته دلم فروریخت. فهمیدم که واقعا زندگی خودم و خانواده ام و همه کسانی که با ما در خطر است و هر لحظه ممکن است که زندگی ام با یک گلوله داعش به پایان برسد.»



سیدو ادامه می دهد: «شروع کردیم به برپا کردن چادر برای زن ها در پایین کوه. وسایل کمی همراهمان بود. این سؤال که چه شد

سنجار سقوط کرد مدام در ذهنم می چرخید. تفسیری برای تغییر و تحولاتی که به سرعت برق و باد رخ داده بود نداشتم. آنجا که بودیم شایع شده بود هر کس بالای خانه اش پارچه سفیدی نصب کند این به معنای تسلیم شدن است [و داعش با او کاری نخواهد داشت]. به قوم و خویش همسرم پیشنهاد کردم که ما هم همین کار را بکنیم. به سلاخ برگشتیم و پارچه سفید بالای خانه زدیم. موقعی که برگشته بودیم، صدای گوله مدام بیشتر و به ما نزدیک تر می شد. تا اینکه با کدخدای روستا تماس گرفته شد و به او اطلاع دادند که داعش در آستانه ورود به روستاست. ما هم [از ترس] برگشتیم به کوه. از اینجا، روز سوم محاصره شروع شد.»

سیدو وضعیت سخت آنجا را توصیف می کند: چه از گرمای طاقت فرسا، چه از جهت اوضاع روحی در حال فروپاشی آواره های ایزدی در کوه و چه از جهت نگرانی بابت اینکه مواد ضروری همراه افراد، در آستانه اتمام بود.



می گوید: «خبرهایی می شنیدیم که داعش به کوه نزدیک شده است. این باعث شد که مردها با کنار هم گذاشتن ماشین هایشان یک مانع ددرست کنند تا بتوانند از زن ها و بچه ها محافظت کنند.»

سیدو از حالت همراهی انسانی در بین آواره ها صحبت می کند که در خوردن و آشامیدن یکدیگر را شریک می کردند و هر کس دست دیگری را می گرفت. می گوید: «یادم می آید در روزهای اول فرار، اولین مورد تولد در کوه رخ داد. چه قدر برایمان عجیب به نظر می رسید. ولی بعد که چند مورد دیگر هم در روزهای بعد تکرار شد، دیگر برایمان عجیب نبود. ما تقریباً مطمئن بودیم که آوارگی مان در کوه طول خواهد کشید و ما در مرز و آستانه یک کشتار دسته جمعی هستیم. منتظر مرگ بودیم. این وضعیت بود.»



ه یاد می آورد: «سحرگاه روز سوم، صدای شلیک گلوله در جایی نزدیک به گوشمان رسید. ماشین هایی از داعش به سمتمان می آمد. مردهایی که همراه مان بودند مقاومت را شروع کردند. ما هم شروع کردیم به بالا رفتن از کوه. زن و بچه و افراد پیر، از طریق یک گذرگاه تنگ شروع به بالا رفتن کردیم. ولی فقط مقدار کمی بالا رفتیم. چون بالای رفتن از کوه خیلی سخت بود. وقتی داشتیم از کوه بالا می رفتیم، کم کم آثار خستگی در ما خودش را نشان می داد. ضمناً ذخیره آلمان تمام شد. به همین دلیل مجبور بودیم به پایین کوه برگردیم و آب برداریم. مردها مدام بالا می آمدند و برمی گشتند پایین. هر بار آب آوردن یک ساعت تمام طول می کشید. از روز پنجم، وضعیت بهداشتی آواره ها در کوه رفته رفته خراب می شد. بچه ها و پیرها می مردند. روز ششم تصمیم گرفتیم به منطقه مزار شرف الدین برویم. در آنجا مقاومت قوی بود و نیروهای رزمنده حزب کارگران کردستان در آنجا حضور داشتند. به سمت آنجا راه افتادیم.»



پیش از ذکر رفتن به مزار شرف الدین، سیدو آخرین تصاویری که از کوه در ذهنش مانده را به خاطر می آورد و می گوید: «چیزهای زجرآوری در آنجا دیدم که در کل زندگی ام ندیده بودم. زن هایی بودند که زایمان می کردند و بچه هایشان به محض تولد می مردند. فریاد بچه ها و پیرهایی که کمک می خواستند، جوان هایی مثل دسته گل در عنفوان جوانی که ناگهان روی زمین می افتادند و نمی دانم که بیهوش می شدند یا می مردند.»



اما صحنه ای که تأثیر بیشتری روی ذهن سیدو گذاشته قضیه دیگری است، زن پیری که تنها چند روز پیش از آواره شدن یک عملیات جراحی انجام داده بوده و در دوره نقاهت به سر می برده و در جریان بالا و پایین رفتن از کوه، پسرش همیشه او را بر دوش می گرفته است. سیدو به خاطر می آورد: «این زن رفته رفته حس می کرد که خطری برای جان پسرش شده است. یک بار که پسرش او را بر دوش گرفته بود از پسرش خواست که او را بر روی زمین بگذارد

تا کمی استراحت کند. وقتی پسرش او را روی زمین گذاشت، خودش را از بالای کوه به پایین پرت کرد.»

سیدو حرفش که به اینجا می رسید دیگر نمی تواند تحمل کند و شروع می کند به گریه ای طولانی و در همان حال ادامه می دهد: «فکرش را بکن، یک مادر پسرش را فریب داد تا بتواند خودش را بکشد [و جان پسرش را نجات دهد]. هنوز صدای گریه پسرش در گوشم است.»



سیدو جریان دیگری را هم تعریف می کند و می گوید: «زنی دو بچه اش را که از تشنگی و گرسنگی مرده بودند کنار خود روی زمین گذاشته بود. من هم چاره ای نداشتم جز آنکه خودم را برای مرگ فرزندانم و مواجهه با چنین وضعی آماده کنم.»

سپس ادامه می دهد: «چشمان را می بستیم و آب های کثیف را می نوشیدیم. به چشم خودمان کرم ها را در آبهایی که می نوشیدیم می دیدیم. پسر مدام از من می خواست برای کمک مان هواپیما بیاید. درد و رنجی کشیدیم که قابل وصف نیست. هر قدمی که

برداشتیم شرحش یک داستان می خواهد. والله اشخاصی را دیدم که از گرسنگی برگ درخت ها را می خوردند. روز هشتم و برای درست کردن شیر خشک پسرم فقط یک چهارم شیشه آب داشتم. ولی بخش اعظم همان را هم دادم به زنی که بچه اش از تشنگی در حال مرگ بودم. فقط چند قطره آب ماند برای پسر خودم. به بچه دیگرم هم هیچ آبی نرسید. روز هشتم که به مزار شرف الدین رسیدیم، آنجا آب سالم نوشیدیم. پشت سرمان چندین جسد در مسیر به جا گذاشته بودیم. در مزار شرف الدین به ما غذا دادند ولی من نخوردمشان. احتیاطا برای بچه هایم در روزهای آینده غذاها را پنهان کردم.»

سیدو اضافه می کند: «آنجا شنیدیم که نیروهای حزب کارگران کردستان یک تونل برای ما درست کرده اند که از آن طریق می توانیم به مرز سوریه فرار کنیم. ولی حتی فرار به آنجا هم احتمال مرگ داشت. ولی من در آن لحظات مطمئن بودم که دیگر به زندگی طبیعی برنخواهم گشت و دیگر هرگز همسرم را نخواهم دید. زندگی از نظر من تمام شده بود. برای همه کسانی که اطرافم بودند هم همینطور بود.»





سیدو ادامه جریانات را اینطور بیان می کند: «ساعت چهار همان شبی که به مزار شرف الدین رسیده بودیم، خبرهایی رسید که ادوات زرهی داعش دارند به آن سمت می آیند و قصد به راه انداختن یک کشتار دسته جمعی دارند. لذا تصمیم گرفتیم به صورت دسته جمعی به سمت تونلی که به سمت مرزهای سوریه می رفت راه بیفتیم. ماشین های حزب کارگران آمد و بچه ها و افراد پیری که بین مرگ و زندگی بودند را سوار کرد. ما برای رسیدن به تونل بیش از هشت ساعت پیاده راه رفتیم. صدای پسرم را می شنیدم که می گفت: "مامان دیگه نمی تونم تحمل کنم." حتی وزن لباس هم دیگر برای بعضی ها موقع راه رفتن سنگین به نظر می رسید. لباسشان را در می آوردند و به کناری پرت می کردند. یادم می آید که پدری لباس دختر خردسالش را در می آورد. دختر بچه، کفش هم نداشت و از پایش خون می آمد.»

به سختی نفسی می کشد و ادامه می دهد: «روز نهم به مرز رسیدیم. ماشین های حزب کارگران کردستان آمدند و ما را از مرز

به سمت منطقه زاخوبد بردند که در اقلیم کردستان است و نیروهای پیشمرگه در آنجا هستند. در آنجا آواره ها را سه روز در مدارس و منازل اسکان دادند، سپس به اردوگاه رفتیم.»

سیدو تعریف می کند: «وقتی همسرم پیشمان آمد، مرا که دید نشناخت. مدام می پرسید: "پس لیلی کو؟". وضع آواره های ایزدی از بقیه سخت تر بود. الان با خانواده ام در یک زیرزمین زندگی می کنیم که در همانجا پنج خانواده دیگر هم زندگی می کنند.»





3

فرار برده جنسی ۱۲ ساله ایزدی از دست داعش

یکی از برده های جنسی ۱۲ ساله داعش توانست با ریختن قرص خواب در چای عناصر این گروه تروریستی از دست آنها فرار کند. کارگر آنلاین: یک دختر ۱۲ ساله ایزدی که موفق شد از دست عناصر گروه تروریستی داعش بگریزد، نحوه فرار خود را توصیف کرد. این دختر نوجوان گفت که چگونه با ریختن قرص های خواب در چای عناصر گروه تروریستی داعش موفق به فرار شده است.



وی به همراه خاله ۱۷ ساله اش در اسارت عناصر داعش به سر می برد. هر دوی آنها توانستند با استفاده از قرص های خواب از دست عناصر گروه تروریستی داعش بگریزند.

"ویان دخیل"، نماینده ایزدی ها در پارلمان عراق با تأیید این خبر گفت: این دو دختر نوجوان ۴ ماه در خانه ای در "تل عفر"، نزدیک موصل عراق در اسارت به سر می بردند. آنها از عناصر گروه تروریستی داعش قرصی خواستند که بتوانند راحت تر بخوابند و سپس از این قرصها علیه عناصر داعش استفاده کردند. سازمان ملل اعلام کرد حدود ۳۵۰۰ زن و کودک ایزدی در حال حاضر در اسارت گروه تروریستی داعش به سر می برند. تاکنون داستان های وحشتناکی در خصوص سوء استفاده های جنسی داعش از این زنان منتشر شده است.



sipaphoto.com 版权作品 请勿转载

CRJonline
国际在线 cri.cn



4

خودکشی زنان اسیر ایزدی برای "فرار از جهنم"

گزارش تازه سازمان عفو بین‌الملل می‌گوید، بسیاری از دختران اقلیت ایزدی عراق که برای بردگی جنسی به اسارت نیروهای "دولت اسلامی" در آمده‌اند دست به خودکشی زده‌اند. ده‌ها نفر نیز فروخته یا موفق به فرار شده‌اند.



سازمان "عفو بین‌الملل" در گزارش خود در روز سه‌شنبه (۲۳ دسامبر/۲ دی) می‌گوید، زنان اقلیت ایزدی عراق که به دست تروریست‌های گروه "دولت اسلامی" اسیر شده و به اجبار باید به عقد اعضای این گروه در بیابند خودکشی را به این نوع زندگی ترجیح می‌دهند.

عفو بین‌الملل در گزارشی زیر عنوان "فرار از جهنم" می‌نویسد، هزاران مرد، زن و کودک اقلیت ایزدی در ماه ژوئن با پیشروی نیروهای "دولت اسلامی" در شمال عراق به اسارت گرفته شدند. بسیاری از مردها کشته یا مجبور به گرویدن به دین اسلام شده‌اند.

زن‌ها نیز اغلب یا به عنوان غنیمت جنگی اسیر یا به به عنوان برده جنسی فروخته شدند. حدود ۳۰۰ زن و کودک موفق شدند از چنگ "دولت اسلامی" فرار کنند. نزدیک به ۴۰ تن از آنها با انجام گفت‌وگو با سازمان "عفو بین‌الملل" به تهیه این گزارش کمک کرده‌اند. جیلان، دختری از خانواده‌ای ایزدی وقتی که به اسارت "دولت اسلامی" در آمد ۱۹ ساله بود. خانواده او بعد مطلع شد که جیلان خودکشی کرده است.



لونا، دختری ۱۰ ساله می‌گوید: «ما ۲۱ دختر بودیم که در یک اتاق نگهداری می‌شدیم. دو تا از دخترها خیلی جوان بودند. یک روز آنها به ما لباس‌هایی مثل لباس مخصوص رقص دادند و از ما خواستند حمام کنیم و این لباس‌ها را بپوشیم.» لونا ادامه می‌دهد: «جیلان رگش را زد و خود را به دار آویخت. او خیلی زیبا بود. من فکر می‌کنم، او می‌دانست که قرار است در اختیار مردی قرار گیرد و به همین خاطر خودش را کشت.» بقیه دخترها می‌گویند، آنها را کتک‌زده، شکنجه کرده، مورد تهدید قرار داده یا به آنها تجاوز کرده‌اند.

بعضی از این دختران را به مردان متأهل داده‌اند، از جمله نیروهای خارجی این گروه که از کشورهای غربی به "دولت اسلامی" پیوسته‌اند.



رنج بی‌پایان زنان ایزدی در سایه جنگ و ترور زنان ایزدی که موفق می‌شوند از چنگ تروریست‌های "دولت اسلامی" بگریزند، می‌باید بار مسئولیت فرزندان و خانواده‌هایشان را در اردوگاه‌های موقت بر دوش کشند. آنها با همان اسباب و وسایل مختصری که موفق شده‌اند هنگام فرار با خود ببرند، زندگی خانواده‌هایشان را اداره می‌کنند.

همدردی سایر زنان عراقی دختران ایزدی که موفق به فرار شده‌اند می‌گویند، بعضی از زنان عراقی و همسران نیروهای "دولت اسلامی" با دختران ایزدی همدردی می‌کردند، اما فاقد توان لازم برای دخالت بوده‌اند. با وجود این برخی به آنها برای فرار کمک کردند. یکی از دختران ایزدی در مورد زنی در آن منطقه که جان خود را به خطر انداخت تا به آنها در فرار کمک کند می‌گوید: «او برای ما

بیشتر از یک مادر بود. من نمی‌توانم هرگز این زن را فراموش کنم. او زندگی ما را نجات داد.»

گروه اسلام‌گرای افراطی "دولت اسلامی" به ایزدی‌ها، یهودی‌ها و مسیحی‌ها به مثابه افرادی فاقد حقوق می‌نگرد. این گروه این افراد را "عابدان شیطان" دانسته و به نیروهای خود اجازه می‌دهد که آنها را کشته یا به بردگی گرفته و مورد سوء استفاده قرار بدهند.

گرد مولر، وزیر توسعه آلمان این هفته گفت، برلین به دنبال ایجاد مرکز بحران برای زنانی است که مورد سوء رفتار "دولت اسلامی" قرار گرفته‌اند. اما این برنامه تنها ظرفیت پذیرش ۱۰۰ نفر را دارد.



آخرین تحولات

روز دوشنبه (۲۲ دسامبر) جنگ میان نیروهای "دولت اسلامی" و ارتش عراق در اطراف بعقوبه، در ۶۰ کیلومتری شمال بغداد دست کم ۳۳ کشته بر جا گذاشت. خبرگزاری آلمان به نقل از یک منبع امنیتی عراق گفت، تروریست‌ها از چندین جهت به نیروهای دولتی حمله کردند.

۱۹ نفر از نیروهای دولتی و شبه‌نظامیان محلی کشته شدند. حمله هوایی عراق علیه "دولت اسلامی" در اطراف بعقوبه نیز دست کم ۱۴ شبه‌نظامی این گروه را به کشتن داد.

فدریکا موگربینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دوشنبه (۲۲ دسامبر) در بغداد با ابراهیم جعفری، وزیر خارجه عراق دیدار و گفت‌وگو کرد. او در کنفرانس مطبوعاتی مشترک تنها راه مقابله با "دولت اسلامی" را نشان دادن توانایی همزیستی مسالمت‌آمیز همه اقوام و ادیان در کنار یکدیگر در عراق در عین احترام به اختلاف‌ها دانست.





5

روایت فرار زن باردار ایزدی از دست داعش



روبه‌روی چادر ایستاده، با باری از هفت ماه انتظار در شکمش. بیش از حد شبیه به ترکمن‌هاست، همان دختران دشت، دختران انتظار، شرم، شب‌نم، خاطره. اما او در کمپ «عربت» زنی است که باید در چادر بماند، دیدن شکم برآمده‌ی زن پابه‌ماه چندان مقبول نیست. بیشتر برادر شوهرش، تحسین الیاس، به جای او حرف می‌زند؛ لب ورمی‌چیند، چندان احساس رضایت نمی‌کند: «سفر کردن با زن حامله سخت بود. اما این سفر نبود، فرار بود، هفت روز در بیابان دویدیم، می‌ترسیدم جایی دیگر نتواند پابه‌پای ما بیاید، هر جا پول بود و ماشین، سوارش می‌کردیم. درد داشت اما یک کلمه هم حرف نزد.»

به ریشه‌ی فرش ماشینی پهن‌شده کف چادر سازمان ملل دست می‌کشد. بدن درشتی دارد، زن زحمت‌کشیده‌ی صحراست، با

دست‌های زمخت و پوست آفتاب‌سوخته. تحسین از برادرش هم می‌گوید، پدر بچه‌ای که در راه است و معلوم نیست در کمپ آوارگان ایزدی به دنیا خواهد آمد یا در شنگال: «حراس وطنی است. در عراق است و در مأموریت نظامی. ۱۰ روز سر پست می‌ماند و ۱۰ روز هم می‌آید پیش ما. روزگار سختی هم دارد او. آنجا که هست با مرگ روبه‌روست، اینجا که می‌آید نگران بچه و زنش.» شوهر «کردستان» نگران خانواده‌ی بزرگش هم هست. ۱۰ سر عائله را رها کرده به امان دو برادرش. برادر بزرگ خانواده، تحسین، خوب حرف می‌زند، اطلاعات دقیقی از وضع ایزدی‌ها دارد، رسیدگی به خانواده را یک‌تنه به عهده گرفته، مشتاق رفتن به دانشگاه است و یکی از معدود مردان دیپلمه‌ی کمپ که زن حامله را در کنج چادر پنهان نکرده و هر روز از او می‌خواهد که ورزش کند. با این همه سه ماه پس از آن فرار بزرگ، هنوز وقت نکرده به خودش فکر کند: «موبایلم پر است از عکس‌های خانوادگی. در شنگال که بودیم، هر وقت دلم می‌گرفت نگاهی به آنها می‌کردم اما از زمان رسیدن به اینجا هنوز فرصت نکرده‌ام. هنوز دلم نیامده آن خنده‌ها را ببینم.»





غارِ همسایه‌ها

شب سقوط شهر، تفنگ‌ها را از ته تنورها بیرون می‌کشند و آماده می‌شوند. یک‌مرتبه «لااله الاالله» اذان که تمام می‌شود، صدای بمباران همه‌ی شهر را پر می‌کند. با اسلحه می‌روند بیرون؛ مرد و زن و حتی کودکانشان. در شهر خبر پیچیده که پیشمرگه‌ها هم به کمکشان خواهند آمد. دلشان قرص بوده، قوت داشته دست‌ها برای چکاندن ماشه. عقربه ۱۰ صبح هنوز به مقصد نرسیده که خبر عقب‌نشینی پیشمرگه‌ها غافلگیرشان می‌کند. دلگرمی‌شان به حمایت بارزانی حالا سست‌تر از قبلشان کرده، اما می‌مانند تا شنگال بماند. در گیرودار همین نزاع تن‌به‌تن در شهر است که ناگهان عرب‌های هم‌محلّه‌ای هم به سپاه داعش علاوه می‌شوند. نور علی نور است دیگر. چهار ساعت هم طول نمی‌کشد که شهر سقوط می‌کند و ایزدی‌ها اولین گروهی هستند که باید شهر را ترک کنند: «اول ما فرار کردیم بعد مردها دنبلمان آمدند. مهماتشان که تمام شد از جاده‌ی خاکی شرق شنگال رسیدند به ما. وقتی داشتیم خانه را ترک می‌کردیم وقت نبود چیزی برداریم. در کوچه بودم که دیدم

همسایه‌مان، که عرب سنی بود، رفته سر وقت خانه و دارد اثاثیه‌اش را با فرزندانش می‌دزدد.»

کردستان اینها را می‌گوید، با بغض تازه عروسی که جهیزیه‌اش را ربوده‌اند پیش از تولد اولین فرزندش و بعد ذهنش همراه آوارگان می‌شود: «در طول راه مسیحی‌های شهر را به چشم خودم دیدم، اگر هم در شهر می‌ماندند کشته نمی‌شدند اما با ما فرار کرده بودند، اعتماد به دشمن معنا ندارد، خصوصاً اگر داعشی باشد. هفته‌ی قبل کاغذ فرستاده بودند به سنگال که فقط عرب‌های سنی مسلمان واقعی هستند و حق زنده بودن دارند و بقیه باید از شهر بروند، حتی عرب‌های شیعه!»



وضع ایزدی‌ها بدتر بود اما: «ما حتی عرب نبودیم چه برسد به اینکه مسلمان باشیم خون ما مباح بود اما خون ما را نمی‌خواستند، دختران...مان را می‌خواستند...تند، شهرمان را می‌خواستند...د.» در

فاصله‌ی نقطه‌چین‌ها، شط باریکی از اشک روی کویر صورتش می‌دود و بادام سوخته را، که به چشم مالیده، شرمه می‌دهد. فقط روندگان صحرای برزخی شنغال تا سلیمانیه می‌دانند که مرگ چقدر نزدیک است به حیات. نزدیک‌تر از نزدیکی دجله به فرات، آن قدر نزدیک که از یکصد هزار آوارهی شنگالی تقریباً دو هزار تایی بیشتر نمی‌توانند هفت روز در بیابان راه بروند و زنده بمانند و این نگرانی زن بارداری است که شاید تا دو ماه دیگر مردی به خانواده‌ی بی‌پسرش اضافه کند: «وقت فرار آن قدر شتاب داشتیم که یادمان رفت مدارک شناسایی‌مان را برداریم. حالا هیچ مدرکی نداریم که نشان بدهد از شنغال آمده‌ایم. بدون مدرک حتی نمی‌توانیم از کمک‌های دیناری که می‌رسد استفاده کنیم.»



سیسمونی‌ای که در آتش سوخت یکی دو ماه دیگر تا وضع حمل کردستان باقی مانده. کردستان از شکاف چادر به صحرای کمپ عربت نگاه می‌کند و «آبی کمرنگ»

می‌شود همه‌ی رنگ‌های توی ذهنش: «من زن دوم شوهرم هستم. زن اول برایش دو دختر زاییده بود و پسر اولین پسر خانواده‌ی کوچک ماست. برایش همه‌چیز خریده بودم، از لباس و گهواره و پستانک گرفته تا جغجغه و قن‌داق. همه به رنگ آبی. شوهرم کیف می‌کرد که رنگ آبی آمده در خانه‌ای که همه‌اش صورتی بود. خوشحال بود و از سر پست مدام زنگ می‌زد حال‌پرسی.»

آنچه از خانه‌ها غارت کردند که کردند و آنچه مانده بود، شبانه به آتش کشیدند. تحسین الیاس جنگ زده‌ها و قرمزها را در تلویزیون یک مسافرخانه در راه «تل عحفر» می‌بیند و برای عروس خانواده تعریف می‌کند. «فکر می‌کردم کردستان از شنیدن این خبر ویران شود، فکر می‌کردم از شدت فشار فروبریزد. اما همین‌طور که با صورت بی‌لبخندش به من خیره بود، هیچ نگفت. خوشحال شدم، توضیح دادم که دیگر از ما هیچ‌چیز باقی نمانده جز خود شنگال، جز طاووس‌های آهنی که بر سردر خانه‌هایمان جوش داده‌ایم.»



طاووس بر در، طاووس در آتش

ایزدی‌ها گمنام و قلیل‌الجمعیت هستند که بارها به خون نشسته‌اند: «ایزدی‌ها به ملت ۷۴ بلا شهره‌اند. تا به حال تاریخ ما ۷۴ نسل‌کشی را به چشم دیده. پیش از داعش، انفجار ۲۰۰۸ بود که هفتصد نفر را فرستاد هوا. یک عرب بمب‌گذاری کرده بود که بعدها معلوم شد یتیم بوده و در دامن ایزدی‌ها بزرگ شده. چطور یک بچه که از پستان زن ایزدی شیر نوشیده، می‌تواند قاتل مادر و مادرهایش باشد؟»



کردستان، شب سوختن خانه، دردش می‌گیرد، زن‌ها دوره‌اش می‌کنند و فکر می‌کنند ممکن است، به علت فشارهای عصبی، بخواهد بچه را نارس به دنیا بیاورد. امکانات در تل عحفر محدود است اما دست‌ها هوشیار و کاربلد. هر زن ایزدی لاقل پنج تولد را به چشم خودش دیده و لاقل سر نوزادی را گرفته و به دنیا آورده. در مهلکه‌ی آب داغ و حوله و خشت، زائو از رخت بیماری بلند می‌شود به اسم حضرت ملک طاووس. اسم را چند بار تکرار می‌کند و کمر خمیده‌اش صاف می‌شود: «پیامبر ما ملک طاووس نام دارد.

ما نه یزیدی هستیم و با یزید کاری داشته‌ایم و نه کافریم. دین خودمان را داریم و به آن معتقدیم.»



دینداری‌شان به صدای شنیدن ۷۴ گلوله ترک خورده در باریکه‌ای از تاریخ که هفت هزار سال به طول کشیده. آنها از پرستندگان مهند، بارگه‌هایی از زرتشتی و مانوی. از هر کدام چیزی آموخته‌اند و بیش از همه صلح و سکوت را. «ایزدی» می‌گویندشان چرا که ایزد برایشان نام خدای یکتاست. «با ما بد کرده‌اند. جمعیت ما محدود است و اجازه‌ی وصلت با غیرایزدی را نداریم، اما دارند همین جمعیت کم یک میلیون نفری را از بین می‌برند. بارها به تیغ مسلمانان تن داده‌ایم، صدام بارها خواست ما را هم بعثی کند اما نتوانست، ایزدی‌ها پیشمرگه می‌شوند اما بعثی نه. مجبورمان کردند برویم سمت زمین‌های بایر، شیر بزهایمان خشک شد، علوفه نداشتیم اما تسلیم نشدیم، سنگ را خرد کردیم و نان بچه‌هایمان را

با گل «حال» متبرک کردیم و دست به مقابله برنداشتیم. گفتند یزیدی هستیم تا شیعه‌ها به خونمان تشنه شوند، یزیدی نبودیم و مثل همه‌ی آنهایی که به دینی متبرک شده‌اند دین داریم اما داعشی‌ها ما را به جرم شیطان‌پرستی آواره کردند، آوارگی شاید حق ما باشد اما برداشتن باکرگی دختران هفت‌هشت‌ساله‌مان گناه است، به خدا که گناه است.»



لالایی کودکان در حمله برای کودکی خودشان «کردستان» راضی نمی‌شود توی قاب عکس بایستد، بیشتر به این خاطر که شوهرش نیست و اجازه به دست اوست. این را اما نمی‌گوید. برادر شوهرش ضامن عکس‌ها می‌شود. کردستان از داخل چادر بیرون می‌آید و رو به شرق، خیره‌ی آفتاب می‌شود. درست مثل تمام ایزدی‌ها که روزی چهار بار رو به خورشید عبادت می‌کنند. می‌پرسم: «برای کودکت نامی انتخاب کرده‌ای؟ نمی‌خواهی نامش را بگذاری سنگال؟» می‌گوید سنگال اسم خوبی نیست. معنی‌اش

می‌شود دندان سگ یعنی جایی که دو کوه به شکل دندان‌های سگ به یکدیگر رسیده‌اند و سنجار یا شنگل بر فراز آنها ساخته شده. کردستان اکنون باردار امید است، امید در قتلگاه مرگ، امیدی که دردانه‌اش را کیلومترها کشانده تا زیر درخت خرما و اگر امید بمیرد، از شنگل و داستان ایزدی‌ها چه باقی خواهد ماند جز رد پای چکمه‌های داعش و صدای دخترکانی که شب در حجله، لالایی مادرشان را زمزمه می‌کنند:



لوری لوری لوری لوری
 لوری لوری به رخام لوری
 لاندک لاری لاندکو
 نای لاوی مالی به رخام لوری
 وه زی باویژمه سه رچاوی
 به رخی قورسه وی ده سمالی
 لاندک لایی لایی
 وه زی لاندکا به رخا خوه هلینمه کاوی گوندا

ملا خالی لاندک لاری
 شه و یدینی لاندکا به رخام داییک که تی به رخی لوری
 مه ره به نی له مال ده رینا سه برکه تی
 لاندک لاپی لاپی وه زی لاندکا
 خه وی پادیمه کاولا نه غده پی
 ده و مزگه وتی لاندک لاری
 لو لو شیر دده تی سه برام لوری

کردستان دست به شکمش می‌کشد و این لالایی غمگین را برای
 مهمان نیامده‌ی عربت می‌خواند.





6

پنج زن و دو کودک ایزدی اسیر چنگ داعش را نجات دادند

نیروهای سوریه دمکراتیک در جریان عملیات تندباد جزیر در منطقه‌ی دیرالزور موفق شده‌اند پنج زن و دو کودک ایزدی که سال ۲۰۱۴ در پی هجوم گروه ضد بشری داعش به شنگال ربوده شدند را آزاد کنند. آنها به شنگال بازگردانده شده‌اند.



نیروهای سوریه دمکراتیک در جریان عملیات تندباد جزیر در منطقه‌ی دیرالزور موفق شده‌اند پنج زن و دو کودک ایزدی که سال ۲۰۱۴ در پی هجوم گروه ضد بشری داعش به شنگال ربوده شدند را آزاد کنند. آنها به شنگال بازگردانده شده‌اند.

در روز سوم آگوست ۲۰۱۴ افراد گروه ضد بشری داعش با حمله به شنگال، هزاران زن و کودک ایزدی را به عنوان غنیمت جنگی ربودند. پنج زن و دو کودک ایزدی که به سوریه منتقل شده بودند اخیراً در عملیات نیروهای سوریه دمکراتیک در منطقه‌ی دیرالزور آزاد شدند.

جنبش آزادی زنان ایزدی این زنان و کودکان را به جمع خانواده‌های خود در شنگال بازگردانده‌اند. آنها در مورد سرگذشت خود صحبت کردند.



بدریه فیسل با اعلام آنکه با اقدامات وحشیانه مواجه شده است می‌گوید: "وقتی داعش حمله کرد آنها بسوی کوهستان شنگال فرار کردیم اما آنها به ما گفتند اگر یک پارچه سفید در دست بگیریم و به شنگال بازگردیم کاری با ما ندارند. ولی تبه‌کاران داعش ما را فریب دادند. من را از خانواده‌ام جدا کردند و به دیرالزور بردند." سوعد سمو یکی دیگر از این زنان است که می‌گوید: "پس از کشتار ایزدی‌ها در شنگال من را به مناطق مختلفی منتقل کردند که آخرین آن، دیرالزور بود. رهایی از چنگ داعش برایم یک رویا بود. اما مبارزان ما را از چنگ این گروه وحشی آزاد کردند."

هدیل نواف هم با بیان دردهایی که در این سالها متحمل شده است می‌گوید تنها آرزوی او رهایی از چنگ داعش بود. او ابراز امیدواری می‌کند روزی بیاید که خواهر و برادرش هم از اسارت داعش آزاد شوند.

تورایا عزیز هم سرگذشت مشاهبی دارد. او می‌گوید نمی‌تواند اندوه خود در این سالها را بیان کند. تبه‌کاران داعش وقتی که تورایا با آتش بخاری دچار سوختگی شده بود، او را حتی به مرکز درمانی نبرده بودند و او زجر می‌کشید.

زهرا سلیمان ریاست مشترک خودمدیریتی شنگال در جمع زنان ایزدی طی سخنانی با استقبال از آنها می‌گوید زنان ایزدی پس از تحمل این روزهای دشوار و دردناک باید اراده خود را حفظ کنند تا برای همیشه به این ظلم خاتمه دهند. ما باید سازمان‌یافتگی خود را قوی کنیم تا بتوانیم انتقام خود از داعش را بگیریم و دیگر اجازه دست‌اندازی به هیچ گروه وحشی دیگری ندهیم.





7

داستان وحشتناک تجاوز داعشی‌ها به بردگان جنسی



روزنامه "حریت" ترکیه با انتشار گزارشی ویژه به روایت سرگذشت زنان ایزدی‌ای پرداخته که توسط تروریست‌های داعشی ربوده شده و به عنوان برده جنسی مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفتند.



خبرنگار "حریت" اشاره می‌کند که صدها تن از این زنان موفق شدند از دست داعشی‌ها فرار کرده و خود را به قلمرو اقلیم کردستان عراق برسانند. خبرنگار حریت به سه تن از دختران ایزدی در اردوگاهی در شمال عراق در منطقه "دهوک" دیدار کرده و روایت آنان از روزهای سخت‌شان نزد داعش را شنیده است.

"دالیا" دانش آموز ۱۹ ساله که در نهایت توانست در آوریل ۲۰۱۵ از دست داعشی‌ها فرار کند می‌گوید که در طول نه ماه اسارت خود مورد شکنجه قرار گرفته بود و هفت بار بین تروریست‌های داعشی دست به دست شد و فروخته شد.



به گزارش خرداد، او درباره دوران اسارت می‌گوید: "مردان داعشی به ما گفتند یا به اسلام می‌گروید یا کشته خواهید شد. ما از ترس جان مان دین مان را تغییر دادی. ما را به بازار بردگان می بردند. امرای داعش در آن جا از ترک‌ها تا آلمانی‌ها و چچنی‌ها بودند. آنان هر روز منتظر خرید دختران ۱۲ و ۱۳ ساله بودند. یکبار پیش از تجاوز یک امیر چچنی بر روی من سطلی پر از بنزین ریخت و گفت تو

خیلی کثیف هستی باید تو را پاک کرد و سپس من را در خانه اش زندانی کرد و به مدت سه روز به من تجاوز کرد."





8

روایت زنان ایزدی از برده‌داری جنسی داعش



همزمان با پیشروی عملیات آزاد سازی موصل، روز به روز بر تعداد دختران و زنانی که موفق به فرار از اسارت داعش می شوند افزوده می شود.

به گزارش یورونیوز، مرکز توانبخشی بانوان دهوک، واقع در اقلیم کردستان عراق، از حدود ۲ سال پیش به همت صندوق جمعیت سازمان ملل و دولت محلی دهوک با هدف ارائه خدمات پزشکی و روانپزشکی به این زنان و دختران، تاسیس شده است.

دکتر إنعام نوزت، متخصص زنان این مرکز با اشاره به مشکلات حرفه ای خود می گوید: «مشکل است. خیلی سخت است فراتر از توانایی های من است. دو سال است که روی این موارد کار می کنم. همه تحلیل رفته اند. وضعیت هیچ موردی از دیگری بهتر نیست. مراجعه کننده بعدی از قبلی غمگین تر است. اینجا کودکان ۹ ساله

ای می بینید که قربانی تجاوز شده اند. انسانهایی که بصورتی کاملا وحشیانه و تحقیرآمیز با آنها رفتار شده است.»
 تنها در سال جاری میلادی نزدیک ۸۰۰ زن تحت حمایت های این مرکز قرار گرفته اند. قربانیان، عمدتاً از یزیدی های عراق، در شرایطی کاملاً غیرانسانی و وحشیانه از سوی نیروهای داعش مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند و برای بازگشت به زندگی عادی نیازمند حمایتند.



یکی از قربانیان یزیدی می گوید: «اتفاقاتی که برای ما افتاده به تنهایی خودشان گویای همه چیز هستند. ما برده بودیم. خود من را به ۵ مرد مختلف فروخته بودند. من فقط بدنبال راه فرار بودم. ۳ مرتبه سعی کردم خودکشی کنم تا دست آنها از بدن من کوتاه شود... دلیل مراجعه من به پزشک، خشمی است که مرا رها نمی کند. قادر به کنترل آن نیستیم حتی در برابر دختر کوچکم.»

شهادتی دردناک از تجربه یک بردگی جنسی غیراختیاری، اینکه داعش چگونه برای جذب نیروهای بیشتر، به نام «دین» این جنایت شنیع را از ارکان اصلی «خلافت» خودخوانده اعلام کرده بود.

بنا بر شهادت زنان و دخترانی که این کابوس را تجربه کرده اند، تنها زنان حامله یا یائسه از تجاوز و آزار جنسی نیروهای داعش در امان بوده اند.



راماناان بالا کریشان، نماینده صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در عراق، بر لزوم حمایت های روحی و روانی از این قربانیان تاکید دارد. او می گوید: «کل دنیا نسبت به رنج ها و مصائبی که زنان و دختران از دست داعش کشیده اند، آگاهی دارند. با این حال، فقط شرح حال و ماجرای اسارت این افراد است که خبرساز می شود در

حالیکه کارهای بسیار زیادی باید انجام شود تا روند بازگشت نجات یافته ها به زندگی عادی تضمین شود.»
 برده داری جنسی در ۳ اوت ۲۰۱۴ توسط خلافت خود خوانده داعش رسمی شد و با اینکه دهها زن و دختر تاکنون موفق به فرار از چنگال داعش شده اند، تخمین زده می شود کماکان چیزی در حدود ۳۰۰۰ زن و دختر همچنان در اسارت باشند.
 روایت زنان ایزدی از برده داری جنسی داعش همزمان با پیشروی عملیات آزاد سازی موصل، روز به روز بر تعداد دختران و زنانی که موفق به فرار از اسارت داعش می شوند افزوده می شود.





9

سرنوشت تلخ دختر ایزدی اسپرداعش



این دختر ایزدی، یکی از هزاران دختر و زنی بود که توسط تروریست های داعش اسیر شد اما سرنوشت وحشتناک پس از فرار برای او رقم خورد.

به گزارش گروه بین الملل فرهنگ نیوز، نیروهای داعشی بلاهای وحشتناکی را بر سر سارا سعید حیدر آورده اند. وحشتی که کماکان با او باقی مانده است .

این دختر ۱۶ ساله در میان هزاران ایزدی بود که پس از حمله داعش به شمال عراق در آگوست ۲۰۱۴، درحال فرار بود. او به همراه خواهر و خانواده اش از محل سکونت به سمت سنجار در حال حرکت بودند که توسط داعشی ها گرفتار می شود .



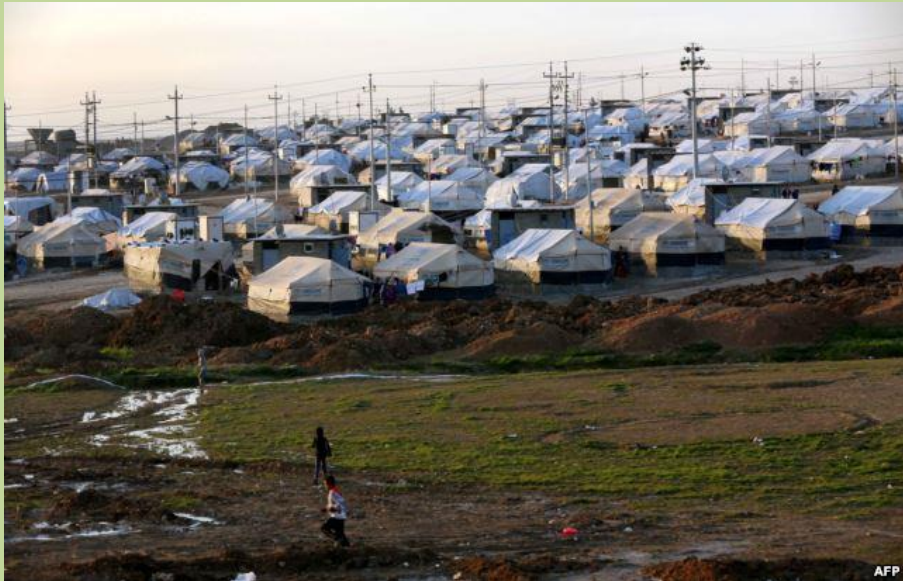
سارا در کنار پدرش پیش از اسارت توسط داعش چهار ترویست داعشی او را به همراه ده ها زن دیگر ایزدی در یک کامیون می اندازند و به سمت شهر تلعفر می روند، جاییکه باید به عنوان غنیمت جنگی، میان جنگجویان تقسیم شوند. اما کامیون در مسیر از کار می افتد .

داعشی ها که سرمست از این غنیمت بودند، در همان جا اسیران خود را مورد آزار و اذیت قرار می دهند. سارا یکی از ترویست ها را با ریش های بلند قرمز به یاد می آورد .



تروریست های داعشی از لحاظ شخصیتی بسیار دارای خوی حیوانی و وحشیانه ای هستند. با تاریک شدن هوا، اسرای ایزدی از فرصت بهره می برند و می گریزند. آنها در یک روستای نزدیک محل فرار به مدت ۶ روز پنهان می شوند. چهار نیروی داعشی که به دنبال آنها بودند موفق نمی شوند آنها را پیدا کنند. و سارا و خواهرش، سمیرا به همراه بقیه دختران و زنان ایزدی جان سالم به در می برند.

آنها به کمپ آوارگان پناه می برند اما در ۲۶ ژانویه، تروریست های داعش حملات خمپاره ای و راکتی خود را به سمت کمپ شروع می کنند. سارا که در حال گوش دادن به موسیقی بود ناگهان صدای انفجاری را در خانه کنار خود که در آن پنهان شده بود، می شنود.



سارا می گوید: فکر کردم که داعش دوباره آمده تا ما را اسیر کند و مورد شکنجه و اذیت قرار دهد.

اما حملات خمپاره ای داعش او را نیز زخمی می کند. سارا در شرح این واقعه دردناک روایت می کند که انگار کل بدنش در حال

سوختن است. بدن سارا در اثر این حمله به طور کامل می سوزد و درمان های صورت گرفته بر روی وی تاکنون نتوانسته روحیه این دختر را بازگرداند.

علاوه بر درمان های پزشکی، او تحت مراقبت روانی نیز قرار دارد. براساس گزارش های سازمان ملل، دختران آسیب دیده از داعش، تمایل زیادی برای خودکشی دارند .



Sarah Said Haydar (Courtesy Photo)

بیش از نیمی از بدن سارا دچار سوختگی شده و او ۷۵ روز را در بیمارستانی در اشتورنگات آلمان تحت مراقبت است .
داعش تاکنون هزاران ایزدی را قتل عام کرده و همچنین دختران و زنان ایزدی را به عنوان برده در شهرهای تحت سیطره خود به فروش می رساند .





10

تجاوز به دختران ایزدی توسط داعش

تجاوز به دختران ایزدی توسط داعش داستان واقعی تجاوز به دختران ایزدی از زبان یک دختر ۱۷ ساله باردار از تجاوز داعشی ها سوزان دختر هفده ساله یزیدی کرد که از دست داعشی ها فرار کرده است پرده از داستان تلخ زندگی چندین ماهه خود در اردوگاه داعشی ها برداشت.

سوزان از تجاوز و شکنجه های متعدد از نظامیان داعش که وی را به عنوان برده جنسی خود کرده بودند و با تجاوزهای مکرر وی را حامله کرده بودند گفت.



سوزان می گوید که در روز های اول وی را که دختری باکره بوده برای تشخیص باکره بودن به اتاقی با حضور ۳۰ الی ۴۰ مرد برده تا باکرگی وی را تایید کنند زیرا که دختران باکره بسیار ارزشمند می باشند.

وی در مورد فروش خود گفت که در هتلی در موصل که در آن دختران و زنان نیمه لخت بودند برای مزایده گذاشته شد و فروخته شد.



وی می گوید که هر روز صبح او و دیگر دختران و زنان باید لخت شده و در صف می ایستادند و توسط اعضای گروهک تروریستی داعش بوییده شده و سپس پس از انتخاب توسط اعضای داعش پس از کتک خوردن از دست آنها به زور به وی تجاوز میکردند و این کار هر روز اتفاق می افتاد.

سوزان می گوید که در میان ۲۱۶ دختر و زن ایزدی یک دختر ۹ ساله بود که توسط داعشی ها باردار شده بود. این دختر ۹ ساله حداقل توسط ده داعشی مورد تجاوز قرار گرفته بود. داعشی ها دختران را مورد شکنجه های جنسی قرار میدادند و اگر دختری مقابل تجاوز به وی مقابله میکرد زنده زنده میسوزاندند. سوزان می گوید داعشی ها در هنگام تجاوز از وی میخواستند که مدام آیات قرآن را زمزمه کند که در صورتی که خودداری میکرد او را با شلاق و ریختن آب جوش بر روی ران هایش مجازات میکردند وی میگوید که داعشی ها پاهای یک دختر که قصد فرار داشت را قطع کردند.

پدر سوزان مرده است و وی فقط به مادرش میتواند پناه بیاورد اما عمومی سوزان وی را تهدید کرده که اگر متوجه شود که وی باکرگی خود را از دست داده است وی را میکشد.

متأسفانه این فکر در اقوام عقب مانده وجود دارد که اگر دختری مورد تجاوز جنسی قرار بگیرد و باکرگی خود را از دست بدهد آلوده شده و همیشه ترس از مرگ به دست خانواده اش را با خود حمل میکند.

یزیدیان فرزندان دختران و زنان که مورد تجاوز قرار گرفته و بچه دار شده اند را چون از عرب سنی هستند مورد پذیرش قرار نمیدهند. روحانی بزرگ یزیدی از مردمش خواسته است تا این دختران و زنان را با آغوش باز بپذیرند و با آنها بدرفتاری نشود.





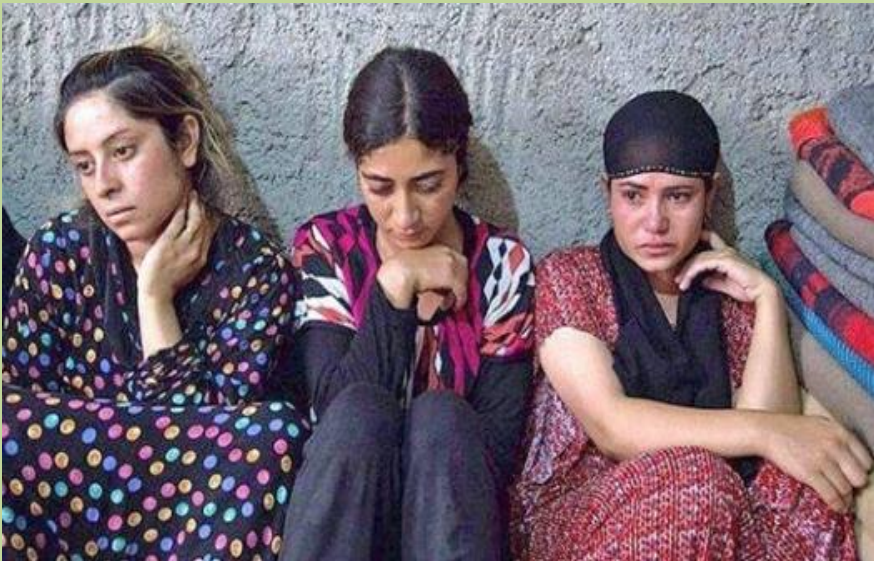
11

سرنوشت مادر و دختر ایزدی اسیر داعش

سرنوشت مادر و دختر ایزدی اسیر داعش مادر و دختر ایزدی که در چنگال داعشی ها اسیر شده بودند به عنوان برده جنسی و همچنین بمب ساز مورد استفاده قرار می‌گرفتند

بی شک داستان غم انگیز زندگی زنان و دخترانی که در چنگال اعضای گروهک تروریستی داعش اسیر شده اند را بارها و بارها خوانده یا شنیده اید.

داستان تلخی از برده جنسی مردانی هوسران که زن را در رابطه جنسی می‌بینند و از کوچکترین فرصتی برای تجاوز به زنان و دختران اسیر کوتاهی نمیکنند و فقط به سن دختران کم سن و سال توجه میکنند که به محض رسیدن به سن قانونی اولین نفر باشند که دختر بیچاره را مورد تجاوز قرار میدهند.



زنان ایزدی اسیر

در زیر داستان مادر و دختری را میخوانید که در دست اعضای گروهک تروریستی داعش به اسارت درآمدند و مادر را به عنوان برده جنسی و دختر ۶ ساله را به عنوان یک بمب ساز مورد استفاده قرار داده بودند.

درحالی عایشه به آرامی با موهای بافته شده خود در لابلاهی انگشت هایش بازی می کند؛ تلاش می کنیم که با او گفت و گو کنیم...

وقتی این دختر خردسال ایزدی از سوی داعش ربوده شد، عناصر این گروه از او خواسته بودند که مواد اولیه ساخت بمب را با هم ترکیب کند.

مادرش "دیلین" در حالی که پسر شیرخواره اش را در بغل گرفته است، می گوید دخترم می تواند حرف بزند اما الان از غریبه ها می ترسد.



دیلین مادر عایشه می گوید: «کارگاه ساخت بمب ها در انباری ساختمانی بود که ما در آن زندگی می کردیم. دخترم را از ساعت پنج عصر تا یک بامداد برای این کار می بردند».

عایشه آن موقع فقط شش سال داشت و داعشی ها تهدید می کرد که اگر خواست های آنها را اجرا نکند، او را خواهند کشت. در نهایت عایشه زبان باز می کند و گوید: «جایی بودیم که لباس سیاه به تن ما می کردند. یک ماده سفید رنگ و شکر و چند پودر بود. ما آن ها را با ترازو وزن و سپس گرم می کردیم و بعد از آن بمب را آماده می کردیم.»



به گفته دیلین، آخری باری که همسرش را دیده است، وقتی بود که دستش را تکان می داد و از آنها دور می شد. دیلین بیعت کرد و هدف تجاوز مداوم قرار گرفت. او به خاطر زندگی فرزندانش هم که شده بود، مقاومت کرد. اما دیلین می دانست که باید قبل از اینکه عایشه به سن قانونی برسد و داعش او را مناسب ازدواج تشخیص دهد، از دست این گروه فرار کند. در نهایت امر، فرد داعشی که مسئول آنها بود، برای اجرای عملیات می رود و همین امر فرصتی به دیلین می دهد تا با یکی از

نزدیکانش که ربوده شدگان ایزدی را از مناطق تحت کنترل داعش به بیرون قاچاق می کند، تماس بگیرد. دیلین می گوید: از عبدالله خواهش کردم که سریع باشد و ما را قبل از اینکه دخترم به سن هشت سالگی برسد، نجات دهد. وی گفت: امیدوار است که عایشه فراموش کند که روزی از سوی داعش به بردگی برده شده بود و معنای خوشبختی را بار دیگر بچشد... اما درخصوص خودم کار از کار گذشته است. دیلین در پایان می گوید: همیشه به همسرم فکر می کنم. درک می کنم که همواره پیش من نیست لذا نمی توانم آنچه به سرمان آمد را فراموش کنم.





12

دختر ۱۴ ساله ای که ۱۸۰ بار مورد تجاوز داعشی ها قرار گرفت

یک دختر ایزدی ۱۴ ساله اعلام کرد که پس از ربوده شدنش توسط اعضای داعش در عراق بیش از ۱۸۰ بار مورد تجاوز آنها قرار گرفته است.



اخلاص

به گزارش جام جم آنلاین به نقل از ایسنا، این دختر ایزدی ۱۴ ساله تاکید کرد که شش ماه است که از خانواده اش جدا شده و طی این شش ماه هر روز مورد تجاوز اعضای داعش قرار گرفته است. تعدادی از رسانه های غربی داستان این دختر ۱۴ ساله که نامش "اخلاص" است را منتشر کردند. او سعی داشت به تنهایی از طریق کوه های سنجار واقع در شمال عراق از دست داعشی ها فرار کند که مجدداً به دست آنها اسیر می شود و نمی تواند فرار کند تا قربانی تجاوزات جنسی آنها شود.

داعش ایزدی‌های با اصالت کرد را در سال ۲۰۱۴ میلادی مورد هدف قرار داد.



اخلاص



اخلاص به یکی از رسانه‌های انگلیس گفت که طی این شش ماه هر روز مورد تجاوز قرار می‌گرفته و بارها دست به خودکشی زده است. وی گفت که از او به عنوان برده جنسی استفاده می‌شده و از میان ۱۵۰ زن ایزدی ربوده شده قرعه به نام وی افتاد و یکی از داعشی‌ها صاحب او شد و هر روز به وی تجاوز می‌کرد.



اخلاص

این دختر ۱۴ ساله درباره این مرد متجاوز گفته است: او واقعا مانند حیوان وحشی پست و شنیع بود، موهای بلندی داشت، بوی بدی می‌داد. من خیلی از او می‌ترسیدم و نمی‌توانستم نگاهش کنم. اخلاص می‌افزاید، بعد از شش ماه ربوده شدنش زمانی که صاحبش خارج از منزل و برای جنگ رفته بود توانست فرار کند. او اکنون در آلمان در یکی از بیمارستان‌ها تحت مداوا و آموزش است و می‌خواهد وکیل شود.

این دختر ایزدی ۱۴ ساله تاکید کرد که شش ماه است که از خانواده‌اش جدا شده و طی این شش ماه هر روز مورد تجاوز اعضای داعش قرار گرفته است.

تعدادی از رسانه‌های غربی داستان این دختر ۱۴ ساله "اخلاص" است را منتشر کردند. او سعی داشت به تنهایی از طریق کوه‌های سنجار واقع در شمال عراق از دست داعشی‌ها فرار کند که مجدداً به دست آنها اسیر می‌شود و نمی‌تواند فرار کند تا قربانی تجاوزات جنسی آنها شود.



اخلاص

داعش ایزدی‌های با اصالت کرد را در سال ۲۰۱۴ میلادی مورد هدف قرار داد.

اخلاص به یکی از رسانه‌های انگلیس گفت که طی این شش ماه هر روز مورد تجاوز قرار می‌گرفته و بارها دست به خودکشی زده است. وی گفت که از او به عنوان برده جنسی استفاده می‌شده و از میان ۱۵۰ زن ایزدی ربوده شده قرعه به نام وی افتاد و یکی از داعشی‌ها صاحب او شد و هر روز به وی تجاوز می‌کرد.

این دختر ۱۴ ساله درباره این مرد متجاوز گفته است: او واقعا مانند حیوان وحشی پست و شنیع بود، موهای بلندی داشت، بوی بدی می داد. من خیلی از او می ترسیدم و نمی توانستم نگاهش کنم. اخلاص می افزاید، بعد از شش ماه ربوده شدنش زمانی که صاحبش خارج از منزل و برای جنگ رفته بود توانست فرار کند. او اکنون در آلمان در یکی از بیمارستان ها تحت مداوا و آموزش است و می خواهد وکیل شود.





اخلاص



13

بازار برده فروشی داعش به روایت دختر ۱۵ ساله

دختر ۱۵ ساله عراقی بعد از اینکه توسط تروریست های داعش در بازار برده فروشی به دو مرد فروخته شده بود به ترکیه گریخت و به شرح اوضاع تاسف بار زنان و دختران پرداخت.



گزارش ها حاکیست این دختر یکی از هزاران دختر و زنی است که داعشی ها آنها را در کوههای سنجار ربودند و به مقرهای تحت سلطه خود بردند. این در حالیست که بسیاری از این زنان، صاحب کودکانی هستند که کمتر از پنج سال سن دارند. دختر ایزدی می گوید: نمی دانم پدر، مادر و برادرانم کجا هستند و در کجا پنهان شدند اما دو خواهرم همچنان اسیر داعش هستند و از این بابت مطمئنم.



وی در ادامه خاطر نشان کرد در ابتدا مرا به زندان تلعفر بردند در آنجا دختران و زنان جوان بسیاری بودند اما بعد از حملات هوایی آمریکا این زنان را به موصل منتقل کردند. او گفت: قبل از اینکه در سوریه به فروش برسم ۵ روز با دو خواهرم بودم و شاهد فروخته شدن یکی از آنها به مردی که قصد بازگشت به موصل را داشت بودم اما من در سوریه ماندم.

گفتنی است این نوجوان ایزدی در شهر الرقه با مردی فلسطینی ازدواج کرد اما توانست با استفاده از سلاحی که تروریست ها در خانه این مرد برجای گذاشته بودند وی را بکشد و از آن خانه فرار کند.



بنابراین گزارش نوجوان ایزدی در شهر الرقه جائی را نمی شناخت تنها خانه ای را به یاد آورد که با زنان و دختران بسیاری در آنجا بود پس به آنجا رفت و تروریست ها بار دیگر او را دستگیر کردند و به قیمت ۱۰۰۰ دلار او را به یکی از داعشی ها فروختند.

در همین راستا دخترک می گوید: این مرد تروریست می خواست نام مرا به "عبیر" تغییر دهد تا پدر و مادرم نتوانند مرا شناسایی کنند همچنین از من خواست تا با او همفکر شوم تا با من ازدواج کند اما من بعد از قبول ظاهری عقاید او گریختم.

یادآور می شود نوجوان ایزدی با ریختن مواد مخدر در چای آنها باعث به خواب رفتن آنها شد و پس از آن گریخت. او پس از فرار مردی را یافت و از او خواست تا وی را به ترکیه ببرد تا در آنجا به خواهرش بپیوندد. همچنین خواهر وی ۲۰۰۰ دلار به قاچاقچی انسان داد تا آن دو را به شمال عراق ببرد جائیکه هم اکنون صدها خانواده گریخته از دستان داعش در آنجا به سر می برند.





14

تجاوز و شکنجه زنان ایزدی توسط داعش

تروریست‌های داعش در حکمی جدید اعلام کردند تجاوز به زنان ایزدی موجب تغییر دین آنها می‌شود. جنایات داعش ابعاد جدیدی به خود گرفته است بطوریکه تروریست‌ها در حکمی جدید اعلام کردند تجاوز ۱۰ مرد داعشی به یک زن ایزدی موجب مسلمان شدن وی می‌شود.



"بوشرا"، زن ایزدی ۲۱ ساله، که سابقه اسارت جنسی در بند داعش را داشته است فاش کرد: تروریست‌ها استدلال جدیدی برای آزار و اذیت جنسی زنان و دختران ایزدی پیدا کرده‌اند، آنها

مدعی هستند اگر ۱۰ مرد داعشی به یک زن ایزدی تجاوز کنند، آن زن مسلمان می‌شود. به همین دلیل است که برده‌های جنسی مکرر میان تروریست‌ها خرید و فروش می‌شوند.



این زن ایزدی در ادامه افشاگری تاثیربرانگیز خود افزود: زنانی که باردار می‌شوند مورد شدیدترین آزار و شکنجه‌ها قرار می‌گیرند و به شکلی دردناک جنین آنها سقط می‌شود. مراحل سقط جنین اغلب به اندازه‌ای دردناک و شوک‌آور است که، فرد قربانی قدرت حرکت و تکلم خود را برای مدتها از دست می‌دهد.

وی همچنین گفت: یکی از دوستان من زمانیکه ۳ ماهه باردار بود به دست داعش اسیر شد. تروریست‌ها برای آنکه بتوانند از او به عنوان برده جنسی استفاده کنند، مادر جوان ایزدی را مجبور به سقط جنین اجباری کردند.



تروریست‌های داعش بالغ بر ۵ هزار ایزدی را در عراق قتل عام کردند و بیش از ۵۰۰ زن و کودک را به اسارت خود درآوردند. ۴۰۰ هزار ایزدی از "سینجار"، واقع در حومه موصل، فرار کرده و در اردوگاه آوارگان کردستان عراق ساکن شده‌اند.





15

رازهای ناگفته دختر فراری از همخوابی‌های خوفناک با داعش

زنان ایزدی که موفق شده اند با شیوه های گوناگون، از دست گروه داعش در عراق و سوریه فرار کنند، روایت‌هایی تلخ و تکان دهنده از نحوه رفتار اعضای این گروه با زنان و دختران بیان می کنند.



دختر ۱۸ ساله یکی از ۳ هزار زن ایزدی اسیر در چنگ داعش بوده که موفق به فرار شده است. داعشی ها صورت او را وقتی در برابر آنان ایستادگی کرده بود تا به او تجاوز نکنند به این روز انداخته است با ضربات سنگین تفنگ و چاقو به شدت مجروح کرده بودند.

در ادامه مطلب گفت وگو با یک زن ایزدی دیگر که پیش از این توانسته بود از دست داعشی ها فرار کنند را می خوانید:

زنان ایزدی که موفق شده اند با شیوه های گوناگون، از دست گروه داعش در عراق و سوریه فرار کنند، روایتی تلخ و تکان دهنده از نحوه رفتار اعضای این گروه با زنان و دختران بیان می کنند. آنها می گویند زنان ایزدی پس از اسارت به دست گروه داعش در عراق، به عنوان «برده» خرید و فروش می شوند و این گروه هر طور که بخواهد با آنها رفتار می کند.

ایزدی ها که در شمال عراق زندگی می کنند و شهر سنجار یکی از مهمترین مراکز زندگی آنها، وقتی به اشغال داعش درآمد، می گویند ۳۵۰۰ نفر از زنان و دختران آنها هنوز در اسارت داعش هستند و با بسیاری از آنها همچون بردگان جنسی رفتار می شود.



یکی از آنها با نام مستعار «حنان» با شرح رویدادهای روز حمله داعش به شهر سنجار (شنگال) می گوید: آن روز شبه نظامیان داعش، جاده های اطراف سنجار را بسته بودند. آنها همه را به

داخل شهر بازگرداندند و آنجا زنان و دختران را از بقیه جدا کردند. "بیست تا بودند با ریش بلند و تفنگ گفتند که ما را به موصل می‌برند. اعتراض کردیم. ما را زدند و به زور سوار ماشین کردند." بر اساس این گزارش، در موصل او را به همراه زنان دیگر به یک سالن ورزشی و بعد از چند هفته به یک تالار عروسی بردند. ۲۰۰ زن و دختر را یک جا جمع کرده بودند. آنجا در واقع بازار فروش برده بود. اعضای داعش می‌آمدند و انتخاب می‌کردند. او می‌گوید: "جرات نمی‌کردیم به صورتشان نگاه کنیم. وحشت کرده بودیم... برای این که ما را بترسانند، شلیک می‌کردند. می‌خواستیم خودمان را بکشیم اما راهی پیدا نمی‌کردیم."



حنان می‌گوید یکی از دخترها بالاخره خودش را کشت. "رگش را زد. نگذاشتند کمکش کنیم. همه را به اتاقی بردند و در را قفل کردند. گفتند 'مهم نیست، جنازه‌اش را یک جایی پرت می‌کنیم'."

بی بی سی در ادامه دستورات عمل بلندبالای داعش را منتشر کرده است که در قالب دهها سوال و جواب، نحوه رفتار با زنان اسیر و برده را روشن می کند.

دو نمونه از این پرسش و پاسخها چنین است:

سوال: آیا همخوابه شدن با اسیر زن بلافاصله بعد از تملک او مجاز است؟

جواب: اگر باکره باشد، صاحبش می تواند بلافاصله بعد از تملک، با او همخوابگی کند. وگرنه باید اول مطمئن شود که زن حامله نیست.

سوال: آیا همخوابگی با دختر اسیر نابالغ مجاز است؟

پاسخ: در صورتی مجاز است که از نظر بدنی شرایط همخوابگی را داشته باشد. اگر هم این شرایط را نداشت می توانید بدون همخوابگی از او لذت ببرید.

حنان اضافه می کند: «اتاق محافظ داشت، اما پنجره اتاق را با پلاستیک پوشانده بودند. یک شب ما پلاستیک را پاره کردیم و یکی یکی از پنجره بیرون پریدیم. من نفر پنجم بودم. بیرون منتظر دخترعمویم شدم، اما دیدم چراغی روشن شد. نمی توانستم بیشتر از آن منتظر شوم. از روی دیوار پریدم. دویدم و پشت سرم را هم نگاه نکردم.





16

روایت دختر ایزدی از برده‌داری جنسی داعش



این دختر نوجوان از تجاوز گروهی نیروهای داعش به خودش گفته است و اینکه زمانی که با تقاضاهای جنسی آن‌ها همراهی نمی‌کرد با شلاق مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفت و حتی با آب جوش پاهایش را می‌سوزاندند.

یک دختر ایزدی تعریف می‌کند که چگونه وی و خواهر کوچکش پس از اینکه در یک حراجی دختران دوشیزه به عنوان برده فروخته شدند روزانه توسط نیروهای فاسد داعش مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته‌اند و اینکه اکنون فرزند این افراطی‌ها را باردار است. این دختر که تنها ۱۷ سال سن دارد افشا می‌کند که چگونه هر روز از این امتحان طاقت فرسای ۹ ماهه اش "مانند انتخاب میان مرگ و مرگ بوده است" چرا که با ضرب و شتم و آزار و اذیت جنسی از سوی نیروهای داعش و تیم محافظان آنها روبرو بوده است.

این دختر نوجوان از تجاوز گروهی نیروهای داعش به خودش گفته است و اینکه زمانی که با تقاضاهای جنسی آن ها همراهی نمی کرد با شلاق مورد ضرب و شتم قرار می گرفت و حتی با آب جوش پاهایش را می سوزاندند.



این دختر به یاد می آورد که چگونه "صاحبش" زمانی که به همراه محافظانش به وی تجاوز می کرد، او را مجبور می کرده که آیات قران را از حفظ بخواند.

اکنون که سه ماه است فرزند "الروسیه" (صاحبش) را باردار است می گوید که کابوس آنچه الروسیه با وی انجام داده را پیش چشمانش می بیند. وی می گوید که "شبهه انتخاب میان مرگ و مرگ بود... خیلی وحشتناک بود."

"وی مرا کتک می زد و زمانی که مرا مورد تجاوز قرار می داد حداقل یک نفر وی را همراهی می کرد."

این دختر نوجوان آگوست قبل پس از حمله داعش به سنجار توسط اعضای این گروه ربوده شده بود. دستان این دختر بسته شده و در هتلی که توسط مردان مسلح داعش محافظت می شد به همراه تعداد دیگری دختر و زن جوان در موصل عراق نگهداری می شد.



این دختر سپس به رقه سوریه، پایتخت داعش انتقال داده می شود؛ جایی که وی و تعداد دیگری دختر و زن دیگر برای تأیید باکره بودنشان مورد آزمایش قرار می گیرند. وی می گوید "دختران باکره به اتاقی که ۴۰ مرد در آن بودند برده شدند. آنها ما را به صف کردند و کسی را که می خواستند انتخاب کردند... فکر می کردم که خوش شانس هستم چرا که به اندازه دیگران زیبا نبودم."

این دختر توسط روسیه که اصالتاً چچنی است خریداری می شود. روسیه این دختر و خواهر ۱۰ ساله اش و دو دختر دیگر را در عرض تنها ۱۰ دقیقه خریداری می کند. اما این آن چیزی نیست که دختران را پریشان می کند بلکه این است که آنها از بقیه زنان این محل جدا می شوند.



این دختر می گوید: "روزی که من و خواهرم فروخته شدیم آخرین روزی بود که مادرم را دیدم. هرگز زمانی که مادرم موقع بردن ما شروع به گریه و کشیدن موهایش کرد را فراموش نمی کنم." زمانی که آنها به "خانه" جدید خود رسیدند زندگی پستی که راه فراری از آن وجود نداشت برای آنها آغاز شد. وی ادامه می دهد: روسیه هر روز صبح دختران را برهنه می کرد و آنها را می بوئید و تصمیم می گرفت که کدام را برای رابطه جنسی خود انتخاب کند. زمانی که وی انتخاب خود را می کرد محافظانش یکی از دختران که مانده بود را برای خودشان انتخاب می کردند.

اما این محافظان چنان برخورد خشنی با این دختر نوجوان داشتند که وی زمانی که توسط روسیه انتخاب می شد احساس راحتی داشت چرا که وی "او را کمتر از مردان دیگر مورد ضرب و شتم قرار می داد."

مقاومت نامیدکننده بود: یک بار که در برابر آنها مقاومت کرده بود یکی از مردان روسیه آب جوش رو پایش ریخته بود. وی می افزاید: "آنها مرا مجبور می کردند زمانی که مشغول انجام کارشان هستند چیزهایی از قران برایشان بخوانم و اگر این کار را انجام نمی دادم مرا با شلاق می زند."

"هیچ چیزی را حس نمی کردم. تنها احساس پوچی می کردم. فقط می خواستم تمام شود. می خواستم خودم را بکشم. ما مجبور بودیم آشپزی و نظافت کنیم و هر کاری که به ما می گفتند را انجام دهیم. باید از دستورات آنها اطاعت می کردیم. گاهی اوقات مجبور بودیم برایشان بخوانیم و برقصیم."



اما در نهایت پس از ۹ ماه شکنجه که هیچ کسی توان مقاومت آن را ندارد وی فرصتی برای فرار پیدا می کند. الروسیه و محافظانش در ماه آوریل توسط نیروهای پیشمرگ در نزدیکی سنجار کشته می شوند و دختران می توانند فرار کنند. وی می گوید: "الروسیه و محافظانش زمانی که با سربازان کرد می جنگیدند زخمی شده و همان موقع می میرند. همان موقع ما فرار کردیم."



برخی از دختران دوباره نزد نیروهای داعش بازگشتند چرا که به شدت می ترسیدند. وی ادعا می کند شبه نظامیان داعش پای یکی از دخترانی که تلاش کرده بود فرار کند را قطع کردند. این دختر می گوید زندگی اکنون برای وی دشوار است چرا که جامعه ایزدی ها به شدت مردسالار است و آنهایی که از دست داعش گریخته اند را "فاسد" می دانند حتی با وجود اینکه روحانی ارشد آنها از خانواده ها خواسته است این افراد را بپذیرند.

عمومی این دختر وی را تهدید کرده است در صورتی که مورد سوءاستفاده جنسی سربازان داعش قرار گرفته باشد وی را خواهد کشت و به همین دلیل این دختر آماده است تا به بارداری خود پایان دهد.

دلالت سیندی ۲۳ ساله سوئدی کسی بود که به روایت ماجرای این دختر ایزدی کمک کرد. وی که از اکتبر سال گذشته در کردستان است قاطعانه می خواهد بماند و برای جلوگیری از قدرت گرفتن بیشتر داعش در منطقه کمک کند. وی می گوید: "آنها در مناطق مشخصی قوی تر شده اند اما اینجا بیشتر از سوی نیروهای ارتش کردستان تحت فشار قرار گرفته اند. آنها واقعا نیاز به کمک دارند به همین دلیل است که من اینجا هستم."



17

تنها راه نجات دختران اسیر داعش

واشنگتن پست در گزارشی از کسانی می گوید که به صورت قاچاقی ایزدی ها و کردهای اسیر در چنگال گروه تروریستی داعش را در عملیات های خطرناک، نجات می دهند.



دختر ۲۱ ساله ایزدی در روستای مسیحی نشین کردستان عراق، از روزهایی می گوید که در دستان داعش اسیر بود. این زن می گوید: داعش مرا از خواهرانم جدا کرد و مرا به اتاق بردند به شدت کتک خوردم و سپس به من تجاوز کردند و برای روزها مرا در آن اتاق رها کردند. سعی کردم خودم را با پرتاب کردن از ساختمان و برق بکشم . زن ایزدی به خاطر اینکه همچنان سه خواهر دیگرش اسیر داعش هستند خواست که بی نام باقی بماند تا نیروهای داعش او را شناسایی نکنند و خواهرانش را مورد آزار قرار ندهند.

۳/۸/۲۰۱۴، تروریست های داعش به منطقه کوهستانی سنجار حمله ور شد و پس از قتل عام صدها ایزدی، زنان و دختران را نیز اسیر کردند. داستانی که زن ایزدی از روزهای اسارت تعریف می کند از دردها و رنج هایی روایت دارد که در این ابعاد تاکنون کم سابقه بوده است.



آقای داخای، به همراه همکارانش در حدود ۶۰۰۰ نفر از ایزدی ها را از دست داعش آزاد کرده است. مقامات حکومت کردستان در عراق جایی که داخای، ایزدی های آزاد شده را به آنجا منتقل می کند، با نیروهایش همکاری می کنند.

میرزا دینالی، مشاور حکومت خودمختار کردستان در این باره می گوید: آنها بسیار تاثیرگذارند و کارشان همراه با خطرات بسیاری است."

متئو باربر، پژوهشگر دانشگاه شیکاگو معتقد است که در حدود ۷۰۰۰ ایزدی پس از حملات داعش از بین رفتند و حدود ۵۰۰۰ نفر نیز به اسارت درآمدند که بیشتر آنها نیز کودک و زن بودند.

آقای داخای می گوید: نزدیک ۲۰۰۰ تن آنها از دست داعش گریخته اند. آنهایی را که از پذیرفتن اجباری اسلام سریاز می زده اند نیز اغلب کشته اند.

نیروهای داعش زن ۲۱ ساله را به همراه ۴ خواهرش کوچکترش زمانی که از خانواده خود در هنگام جنگ در سنجار جدا افتاده بودند؛ اسیر کردند. خواهران پس از مدت کوتاهی به رقه؛ پایتخت خلافت خودخوانده داعش منتقل شدند. این زن مجبور به پذیرش جهاد نکاح شد. پس از آنکه برای دومین بار قصد خودکشی داشت، صاحب او، وی را به تلعفر و نزد یک تروریست آلمانی فرستاد.

در شهر تلعفر، سرنوشت بار دیگر به کام این زن رقم خورد و پس از چند ماه، او توانست به موبایلی دست پیدا کند و با خواهرش، حنیفه در کردستان تماس برقرار کرد. حنیفه نیز موضوع را با آقای داخای در میان گذاشت و وی شبکه قاچاق خود را برای نجات این زن به کار برد. شماره آقای داخای نزد زن ۲۱ ساله بود و وی می توانست با او در تماس باشد.



در زمانی که دو طرف در تماس با یکدیگر بودند، عملیات گروه قاچاق به صورت گسترده ای در حال اجرا بود. داخای برای انجام عملیات نیاز به اطلاعات دارد و ایزدی هایی که از اسارت آزاد شده اند منابع اطلاعاتی بسیار خوبی به شمار می روند.

در شروع کارش، با دو نفر از همشهری هایش آغاز کرد. اسمان ابوشوجا، که دارای ارتباطات بسیار قوی در سرتاسر منطقه است و به عنوان قاچاقچی نفت و محصولات کشاورزی، مرز میان سوریه و عراق را بسیار خوب می شناسد.

ابوشوجا به واشنگتن پست می گوید: پس از حملات داعش دیگر نمی توانم به کارم ادامه دهم و در حال حاضر ایزدی های هم وطنم را نجات می دهم.

دو نفر دیگر نیز بعدها به گروه اضافه شدند و در اولین عملیات خود یک زن و چند کودک را در ماه سپتامبر از چنگال داعش نجات دادند و یک ماه بعد نیز دفتری را در دهوک کردستان تاسیس کردند.



عملیات های نجات بسیار پیچیده و همراه با خطر هستند. در مورد این زن ۲۱ ساله ایزدی، آقای داخای باید بر چند مانع اضافی نیز غلبه می کرد. حنیفه به خواهرش تاکید کرده بود که خواهر کوچک ۸ ساله خود را نیز نجات دهد و به همراه خود بیاورد. کودکی که توسط داعش مجبور شده بود به مدرسه شریعة برود و برای تبدیل شدن به نسل بعدی جهادگران نکاح آماده شود. این زن ۲۱ ساله، فرار خود را برای یک ماه دیگر به عقب می اندازد تا اینکه نیروهای داعش به او اجازه می دهند تا سه روز خواهر کوچکش را نزد خود نگه دارد.



در روز دوم ملاقات، آقای داخای به همراه تیمش وارد عملیات می شوند و آن دو را به یک خانه امن در نزدیکی تلعفر می برد. به محض اینکه قاچاق چیان آنها را به سلامت نجات می دهند؛ دو خواهر را از راه های امن و در تاریکی شب به سمت مناطق تحت کنترل کردها می برند.

عملیات نجات همیشه طبق نقشه پیش نمی رود. داعش در یک سال اخیر، سه تن از نیروهای داخای را گرفته و اعدام کرده است. یکی از آنها در ماموریت نجات دستگیر شد و دو نفر دیگر نیز در عملیات کمین داعش کشته شدند. این دو نفر که قصد نجات زنی را داشتند در دام داعش گرفتار می شوند. داعشی ها این زن را مجبور کرده بودند که قرار ملاقات را بگذارد و پس از حضور این دو نفر در محل قرار، در دام داعش می افتند.

آقای داخای از کسانی می گوید که در قلمرو داعش با آنها همکاری می کنند و از اعراب مسلمان هستند. اگر آنها توسط داعش گرفتار شوند به سرعت اعدام می شوند.

در گزارش دیگری که بی بی سی منتشر کرده در مصاحبه با یک فعال کرد، عنوان داشته که برخی از زنان کرد و ایزدی با پرداخت پول از ۶۰۰۰ دلار تا ۳۵۰۰۰ دلار، توسط نیروهای داعش آزاد می شوند و در برخی از موارد واسطه ها در درگیری ها کشته می شوند و پولی که توسط خانواده های کرد برای آزادی اعضای خانواده با هزاران زحمت جمع آوری شده، بر باد می رود.





18

خاطرات دختر ایزدی از دوران سیاه اسارت به دست داعش

دختر جوان ایزدی پس از فرار از دست تروریست‌های داعش، خاطرات تلخ خود را درباره دوران اسارتش در کتابی منتشر کرد.



جنان

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان؛ دختر ۱۸ ساله ایزدی در سفر به پاریس برای انتشار کتاب خاطراتش درباره دوران اسارت به دست تروریست‌های داعش در مصاحبه با خبرگزاری فرانسه گفت: داعش بازاری بین‌المللی برای فروش دختران و زنان ایزدی در عراق به راه انداخته است.

جنان اوایل سال ۲۰۱۴ در حمله تروریست‌های داعش به مناطق شمالی عراق اسیر شد. این دختر جوان گفت تروریست‌های داعش چندین بار محل نگهداری‌اش را عوض کردند و سرانجام او را به دو مرد فروختند.

او درباره بازار برده فروشی این گروه گفت: آن‌ها عده زیادی از زنان و دختران را یک جا جمع می‌کردند و بعد هر کس به سلیقه خود یکی از این زنان را انتخاب کرده و قیمت او را می‌پرداخت. جنان به خاطر آورد چطور یکی از تروریست‌های داعش همه دختران ایزدی را در جستجوی دختری چشم آبی برانداز می‌کرد. او که تنها سه ماه در اسارت داعش زندگی کرد درباره تروریست‌های این گروه گفت: آن‌ها انسان نیستند و تنها به کشتن فکر می‌کنند تا از همه انتقام بگیرند.

این دختر جوان در پایان افزود: تروریست‌های داعش زنان و دختران را در اتاق حبس می‌کردند و از آن‌ها می‌خواستند دین خود را عوض کنند. آن‌ها همچنین گاهی اوقات ما را مجبور می‌کردند آبی که در آن موش مرده انداخته بودند را سر بکشیم.

جنان سرانجام توانست از محل اسارتش بگریزد. او هم‌اکنون در کنار همسر خود در کمپ پناهندگان ایزدی در کردستان عراق زندگی می‌کند.



جنان

جواب منفی دختری ایزدی به آقای رییس جمهور!



جنان

نمایشگاهی تحت عنوان "جنگ در عراق و خاورمیانه" و با حضور برخی آسیب دیدگان این معضل انسانی، در روزهای اخیر در پاریس برگزار شد.

به گزارش پایگاه خبری شبکه العالم به نقل از ابنا، در حاشیه برگزاری این نمایشگاه، رئیس جمهور فرانسه به عنوان مهمان ویژه حضور یافت و ضمن گفتگو با بازدیدکنندگان، سخنانی را درمورد آوارگان کشورهای جنگ زده ایراد کرد.

فرانسوا اولاند در همین دید و بازدیدها با «جنان بادل» دختر ایزدی اهل عراق که با کتاب "داعش و اسارت زنان" در این نمایشگاه حضور یافته بود به سخن پرداخت و وضعیت آوارگان این کشور را جويا شد.



جنان

وی پس از مطالعه بخش‌هایی از کتاب بادل، خطاب به او اظهار داشت: کتاب تو تاثیر عمیقی بر من گذاشت و امیدوارم دیگر شاهد اینگونه رفتارها با زنان در سراسر جهان نباشیم.

رئیس جمهور فرانسه با تاکید بر آمادگی این کشور برای پناه دادن به آوارگان جنگ‌زده خاطرنشان کرد: پیام صلح مرا به اقلیم کردستان عراق برسان و به آن‌ها بگو که فرانسه همواره پشتیبان آن‌ها در جنگ علیه داعش خواهد بود.

اولاند در پایان سخنان خود از این دختر عراقی درخواست کرد تا در فرانسه بماند و به فعالیت خود در زمینه نویسندگی ادامه دهد ولی جنان بادل در پاسخ به او گفت: با مهاجرت مشکلی حل نمی‌شود و تنها راه برون‌رفت عراق از مشکلات بوجود آمده، "ماندن" و "تفکر" است.

این دختر ایزدی با بیان اینکه من خواستار یاری زنان زندانی و مردمان با استقامت کشورم هستم، خاطرنشان ساخت: از شما درخواست می‌کنم که مردم کشورم را به عدم مهاجرت ترغیب کنید، چراکه در حال حاضر مهاجرت چاره واقعی عراقی‌ها نیست.





جنان

وی در تقبیح چهره داعش اظهار داشت: من سه ماه در چنگال گروه تروریستی داعش بودم و این کتاب نیز ماحصل اتفاقاتی است که بر من گذشته است.

جنان بادل افزود: در مدت زمان اسارت من شاهد صحنه‌های دردناکی بودم و تروریست‌ها از هیچ وسیله‌ای برای شکنجه ما رویگردان نبودند.

گفتنی است، کشور فرانسه یکی از اعضای تشکل موسوم به ائتلاف جهانی علیه داعش است که تا اینجای کار نتوانسته اذهان عمومی جهان را نسبت به مبارزه خود با داعش جلب کند.

سکوت شریک شدن در جرم است. برده جنسی داعش: قیمت من هشت دلار بود

جینان پس از اسارتش در اولین حملات پیکارجویان گروه «حکومت اسلامی» به شمال عراق، مدتی توسط این گروه به نقاط مختلف

منتقل شد و در نهایت توسط دو مرد، یک مامور سابق پلیس و یک روحانی خریداری شد. به نوشته سایت فرانسوی زبان، «لا لیبر» بلژیک، جینان می گوید «قیمت من ده هزار دینار عراق یا هشت دلار بود.» جینان این دختر ۱۸ ساله ایزدی که خبرگزاری فرانسه گفت وگویی مفصلی با او انجام داده است، اوایل سال ۲۰۱۴ در شمال عراق توسط گروه خلافت اسلامی اسیر شد ولی حدود سه ماه پیش توانست فرار کند. جینان در مصاحبه با خبرگزاری فرانسه شرایط اسارت دختران ایزدی را اینطور توضیح داد: «آنها ما را شکنجه می کردند و می خواستند به زور دین ما را تغییر دهند. اگر مخالفت می کردیم ما را به شدت کتک می زدند و یا بیرون زیر آفتاب ما را با زنجیر می بستند و مجبورمان می کردند که آب کثیف که جسد موش در آن بود را بخوریم. گاهی اوقات تهدید می کردند که ما را با برق شکنجه خواهند کرد.»



جنان



برده جنسی داعش: قیمت من هشت دلار بود



جنان

جینان، دختر جوان ایزدی که از اسارت گروه «حکومت اسلامی» (داعش) گریخته، کتابی به نام «برده داعش» در فرانسه منتشر کرده است.

این کتاب به کمک تیری اوبرله، خبرنگار روزنامه فیگارو نوشته شده است.

جینان پس از اسارتش در اولین حملات پیکارجویان گروه «حکومت اسلامی» به شمال عراق، مدتی توسط این گروه به نقاط مختلف منتقل شد و در نهایت توسط دو مرد، یک مامور سابق پلیس و یک روحانی خریداری شد. به نوشته سایت فرانسوی زبان، «لا لیبر» بلژیک، جینان می‌گوید «قیمت من ده هزار دینار عراق یا هشت دلار بود.»

دختران و زنان ایزدی و مسیحی در بازارهایی که در عراق دایر شده‌اند به عنوان برده‌های جنسی به فروش می‌روند.



جنان



جنان این دختر ۱۸ ساله ایزدی که خبرگزاری فرانسه گفت وگویی مفصلی با او انجام داده است، اوایل سال ۲۰۱۴ در شمال عراق توسط گروه خلافت اسلامی اسیر شد ولی حدود سه ماه پیش توانست فرار کند.

جینان در مصاحبه با خبرگزاری فرانسه شرایط اسارت دختران ایزدی را اینطور توضیح داد: «آنها ما را شکنجه می‌کردند و می‌خواستند به زور دین ما را تغییر دهند. اگر مخالفت می‌کردیم ما را به شدت کتک می‌زدند و یا بیرون زیر آفتاب ما را با زنجیر می‌بستند و مجبورمان می‌کردند که آب کثیف که جسد موش در آن بود را بخوریم. گاهی اوقات تهدید می‌کردند که ما را با برق شکنجه خواهند کرد».



جنان

جینان می‌گوید: «اینها انسان نیستند و فقط به مرگ و کشتن فکر می‌کنند. همیشه در حال مصرف دارو و مواد مخدرند. از هر کسی که بتوانند انتقام می‌گیرند. می‌گویند یک روزی گروه خلافت اسلامی بر سراسر جهان حکومت خواهد کرد».

در بخشی از این کتاب با عنوان «برده داعش» که جمعه گذشته منتشر شد، جینان توضیح می‌دهد که در اولین روزهای اسارت، او و تعداد دیگری از زنان را در یک سالن بزرگ جشن در شهر موصل جمع کرده بودند.

جینان چنین می گوید: «پیکارجویان داعش لابه لای ما می چرخیدند، وحشیانه می خندیدند و از باسن ما نیشگون می گرفتند.»

جینان می گوید دقیقا به یاد دارد که یکی از مردان «من دنبال یک زن ایزدی چشم آبی با پوست روشن هستم و حاضرم برایش هر قیمتی بپردازم.» او در این بازارهای برده فروشی علاوه بر مردان عراقی و سوری، مردان اهل کشورهای غربی را هم دیده ولی ملیت آنها را نتوانسته تشخیص دهد.

او افزود زیباترین دختران را برای مشتریهای پولدار اهل کشورهای حاشیه خلیج فارس کنار می گذاشتند. پس از فروش جینان او را در خانه ای حبس کردند و خریداران او هر روز به سر وقتش می رفتند.



یک هفت تیر در ازای یک موقهوه ای او یکی از صحنه های این بازار را اینطور تصویر می کند: «مسئول بازار وضعیت زنان را مثل حیوان بررسی می کرد و روی هر کدام قیمت می گذاشت. معامله گری در بازار خطاب به یکی از پیکارجویان گفت هفت تیرت را با این موقهوه ای عوض می کنم. اگر می خواهی پول نقد بدهی قیمتش ۱۵۰ دلار است. دینار عراقی هم قبول می کنم.»

هر دو مردی که صاحبان جینان بودند مطمئن بودند او عربی بلد نیست و با خیال راحت جلوی او صحبت می‌کردند. یک شب او مکالمه‌ای را شنید که نشان می‌داد تجارت برده‌های جنسی تا چه حد شبیه هر کار اقتصادی دیگری با نظم و مقررات پیش می‌رود. یکی از دو نفر به نام ابوعمار می‌گفت: «هیچکس نمی‌تواند بیشتر از سه برده بخرد مگر اهل ترکیه، سوریه و کشورهای خلیج فارس باشد.»

دیگری به نام ابو انس در جواب گفت: «این برای کاسبی خوب است. مثلاً کسی که اهل سعودی است به نسبت یک عضو گروه داعش که اینجاست برای سفرش پول زیادی خرج می‌کند و برای اینکه این هزینه را تامین کند باید حق داشته باشد تعداد بیشتری بخرد.»

جینان پس از سرقت کلید خانه توانست از محل اسارت خود بگریزد و خود را به شوهرش برساند. او امروزه در اردوگاه پناهجویان ایزدی در کردستان عراق زندگی می‌کند.



یک سال پیش، جنان بادل تنها نوزده سال سن داشت که جهنم را تجربه کرد. تابستان پارسال این دختر جوان از سوی دولت اسلامی، داعش، ربوده شد و به برده‌گی گرفته شد. به چه دلیل؟ به بهانه‌ی عضویت در اقلیت کرد زبان ایزدی، یکی از قدیمی‌ترین مردمان بین‌النهرین که باورهای اعتقادی آنان به چهار هزار سال پیش بر می‌گردد.



جنان

شبی جنان از دست زندان بان جهادگرایش گریخت و توانست خود را نجات بدهد. از آن به بعد وی مشغول افشاگری است. او بدون این که مژه بر هم بزند، داستان برده‌گی خود را با صدایی نرم برایمان تعریف می‌کند. کتاب وی زیر نام 'برده‌گی داعش' با هم‌کاری روزنامه‌نگار فرانسوی، 'تیری اوبرله' نوشته شده است که اوایل ستامبر چاپ شد. 'جنان' هم چنین به قولش عمل کرد و هشتم سپتامبر در کنفرانس بین‌المللی 'قربانیان خشونت‌های قومی و مذهبی در خاورمیانه' در پاریس حضور یافت.

در حالی که صدها هزار آواره و پناهنده از سوریه و سایر کشورهای خاورمیانه در هفته‌ها و روزهای اخیر وارد اروپا شده و یا سعی می‌کنند خود را به اروپا برسانند، 'جنان بادل'، دختر کرد ایزدی و نویسنده‌ی رمان 'برده‌ی داعش' به زمان فرانسوی، در دیدار با فرانسوا اولاند درخواست پناهنده‌گی فرانسه را نپذیرفت بدین مناسبت روزنامه‌ی لوموند فرانسه که کتاب 'برده‌ی داعش' با هم کاری یکی از روزنامه‌نگاران همین نشریه چاپ شده است، مصاحبهای با جنان بادل انجام داده است.



*لوموند: می‌توانید شرایط و چگونگی ربوده شدن خود را توضیح بدهید؟

—جنان بادل: دولت اسلامی در تاریخ سوم اوت ۲۰۱۴ به شنغال حمله کرد. ما از روستایمان فرار کرده و یک شب درکوه شنغال

مخفی شدیم. فردایش کسی به پدرم زنگ زد و گفت که گویا پ.ک.ک راه را باز کرده و جاده مطمئن است... خوب ما هم با ماشین مان به سوی دشت ها راه افتادیم، در مجموع چیزی حدود پنجاه ماشین بودیم. آن جا، پائین، چهار ماشین دیگر هم رسیدند. اما آنان از افراد داعش بودند. آنان به ما حمله کرده و سپس زنان و مردان را از هم جدا کردند. امروزه ما نمی دانیم که آن مردان ما هنوز زنده‌اند یا نه.



جنان

*چه بر سر زنان آمد؟

—جنان بادل: آنان ما را از نقطه‌های به نقطه‌ی دیگر حمل می کردند، شهر شنگال، زندان بادوش موصل... در داخل مدرسه‌های در بسته‌های بودیم که مردان یک روستای دیگر برای خرید دختران جوان و زیبا آمدند. من بسیار مریض بودم، خوب من را روانه‌ی بیمارستان کردند. یک هفته بعد آنان من و پنج دختر دیگر را فروختند.

*کی شما را خرید؟

—جنان بادل: دو تا از افراد داعش، یک پلیس و یک ملا. مرا به ده هزار دینار عراقی . چیزی در حدود هشت دلار آمریکایی . فروختند. حتا دخترانی بودند که افراد دولت اسلامی آنان را به دوستان خود هدیه می دادند.

*زندگی روزمرهی شما نزد مردان دولت اسلامی چگونه سپری می شد؟

—جنان بادل: به صورت مداوم به ما توهین می شد، ما را مورد ضرب و شتم قرار می دادند و ما را به شکنجهی الکتریکی تهدید می کردند. با دست و پای در زنجیر ما را زیر آفتاب سوزان نگه می داشتند و ما را مجبور می کردند از آبی بیاشامیم که موش مرده تویش شناور بود. تمام این ها را برای این انجام می دادند که اسلام بیاوریم و قرآن بخوانیم. این وضعیت سه ماه طول کشید و بسیار سخت بود.

*قبل از ورود دولت اسلامی جامعهی ایزدی ها چگونه روابطی با دیگر مردمان عراق داشت؟

—جنان بادل: روابط خوب و بد نداشت. روابطی عادی بود. ما واقعن نمی توانستیم بدانیم که در دل آن ها چه می گذرد. کسانی که مرا ربودند و کسانی که مرا خریدند را نمی شناختم، اما کسانی که 'آن' کارها را می کنند همسایگان ما هستند.





* چگونه توانستید فرار کنید؟

—جنان بادل: یک شب صاحبان ما کسانی که ما را خریده بودند، بسیار خسته از جنگ برگشتند. ما متوجه شدیم که آنان در خواب عمیق هستند و ما برای این که آنان را بیدار نکنیم، با پای لخت توانستیم از راه پنجره فرار کنیم. ما پنج ساعت تمام با پاهای عریان پیادهروی کردیم، پاهایمان زخمی شده بود. در راه سگ های وحشی به ما حمله کردند. دورترها صدای شلیک گلوله را در جبهه های جنگ می شنیدیم. ما می ترسیدیم؛ زیرا هر لحظه ممکن

بود که از سوی افراد داعش دستگیر شویم. اما اربابان ما متوجه فرار ما نشدند. سرانجام به پای کوه شنگال رسیدیم که پیشمرگان کرد و مبارزان ایزدی آنجا مستقر بودند.



*واکنش چگونه بود؟

—جنان بادل: در میان شادی و سرور و نهایت احترام مورد استقبال قرار گرفتم. به من گفتند: “تو مقاوم هستی. تو زندگی، عزت و دین خود را حفظ کردی.”

*زندگی امروزین شما چگونه می گذرد؟

—جنان بادل: همسرم، که روز ربودن من آن جا نبود، را دوباره پیدا کردم و امروزه حامله هستم. سه ماهه است. ما در یک چادر در یک اردوگاه پناهندگان در کردستان عراق زندگی می کنیم. شوهرم

ماهی چند روز به عنوان کارگر کار می کند... اما زندگی شخصی ما اهمیتی ندارد. ما مدام به فکر زنان ایزدی هستیم که هنوز در اسارت هستند. این ما را آزار میدهد؛ زیرا درد و آزار آنان را می شناسم. ما آزاد نیستیم اگر آن ها آزاد نشوند.
* برای نجات آنان چه کار باید کرد؟

—جنان بادل: همهی دختران ایزدی باید شجاع و خستگی ناپذیر بگویند آن چه را که می دانند. سکوت، شریک شدن در جرم است. به همین دلیل هم هست که کتابم را نوشتم.

* و شما، چه آرزویی دارید که بخواهید با صدای بلند بیان کنید؟
—مردم من به حمایت و حفاظت بین المللی احتیاج دارند. باید هزاران زنی را آزاد کرد که هنوز به عنوان کنیز گرفتار شده اند و به حکومت اقلیم کردستان و نیروی پیشمرگ کردستان کمک کرد... اکنون سیزده ماه است که آنان علیه دولت اسلامی می جنگند. این به تنهایی جنگ آنان نیست. نباید این جا بی تفاوت بود و از وجود خطر چشم پوشی کرد.



فراسوا اولاند

جنان

* فراسوا اولاند، رئیس جمهور فرانسه، شما را تشویق کرد که به نبردتان ادامه دهید.

جنان بادل: بله آقای اولاند به من گفت که کردها از دوستان فرانسه هستند و کشورش به ما کمک خواهد کرد. او هم چنین گفت که به من افتخار می کند، بایستی ادامه بدهم و فرانسه خانگی من است.

* این کافی است؟ سخنان وی چه احساسی به شما داد؟
—جنان بادل: احساس امنیت کردم.



* چرا شما پناهندگی سیاسی را رد کردید؟
—جنان بادل: درخواست پناهندگی راه حل نیست. اگر همهی ایزدی ها این گونه بیندیشند، در این صورت ما میراث مذهبی و میهن مان را از دست خواهیم داد. مشکل را باید آنجا حل و فصل کرد.

* آیا شما می ترسید که دوباره ربوده شوید؟
— جنان بادل: بله، می ترسم. اهمیتی ندارد. برمی گردم خانه





جنان

19

خاطرات تلخ دختر ایزدی از ظلم و ستم داعش



"ایمان" دختر ایزدی نجات یافته از چنگال گروهک تروریستی داعش با بیان گوشه ای از جنایت های داعش، از جهانیان خواست تا دختران و زنان ایزدی گرفتار این گروهک را نجات داده و به رنج و گرفتاری آنان پایان دهند.

به گزارش پایگاه شبکه خبری العالم، ایمان دختر ۱۳ ساله که در اردوگاه شاریا در شهر دهوک سکونت دارد، به بیان رنج و گرفتاری های دوران تسلط داعش بر منطقه سنجار پرداخت و اظهار داشت: وقتی داعش منطقه سنجار را به اشغال درآورد نتوانستیم فرار کنیم و عناصر داعش همه افراد خانواده هشت نفره ما را به اسارت گرفتند.

وی درگفت و گو با سومریه نیوز افزود: داعشی ها مرا به همراه سایر دختران به موصل فرستادند اما سایر افراد خانواده ام در نزد آنها در تلعفر گروگان باقی ماندند و در موصل بدون آب و غذا سه

روز در زندان انفرادی بودم و همواره مورد ضرب و شتم قرار می گرفتم تا اینکه به روستای کوجو در غرب موصل منتقل شدم. وی ادامه داد: داعش دختران ایزدی مورد نظر خود را به زور با خویش برده و به عناصر مسلح عرضه می کرد و سپس با قرعه کشی ما را در میان خود توزیع می کردند. یکی از دختران در برابر چشمان ما خودکشی کرد زیرا تحمل اقدام های ضد انسانی داعش را نداشت.



وی خاطرنشان کرد: فرد مسلحی که قرعه من به نام او افتاده بود، به پول نیاز داشت و به همین دلیل مرا در بازار موصل در ازای دریافت هزار دلار به مرد دیگری فروخت. مردی که مرا خرید به من اطمینان خاطر داد که مرا به خانواده ام بازخواهد گرداند به شرط آنکه مسلمان شوم و من نیز به ناچار پذیرفتم و حفظ قرآن و نماز اسلامی بر من تحمیل شد. پس از حفظ قرآن آن مرد مرا به خانواده ام در تلعفر بازگرداند.

وی با بیان اینکه به سختی می توان مصیبت ها و جنایت های داعش را فراموش کنم ، تاکید کرد: داعش تمام افراد خانواده ام را وادار کرد تا به زور مسلمان شده و از آنها به عنوان برده در کارهای کشاورزی و چوپانی استفاده کرد. خانواده ام چند ماه پیش از چنگ داعش گریختند.

به گزارش سومریه نیوز، از افزون بر سه هزار مرد و زن ایزدی ربوده شده توسط داعش در سال گذشته، با کمک دولت خودگردان منطقه کردستان ۲ هزار و ۳۳۱ تن از آنان نجات یافتند که در میان آنها ۳۱۶ مرد و ۸۶۷ زن و هزار و ۱۴۸ کودک یافت می شود. شایان ذکر است داعش در اوایل ماه اوت گذشته بر منطقه سنجار تسلط یافت که در نتیجه آن تقریباً ۴۰۰ هزار نفر به دهوک کوچ کردند، دهها هزار ایزدی در کوهستان سنجار به محاصره داعش درآمدند و توسط عناصر داعش قتل عام و یا ربوده شدند.





20

اعترافات زن ایزدی در مورد پزشکان داعش

یک زن ایزدی فاش کرد پزشکان داعش نقش جلادان این گروه تروریستی را در بیمارستان‌ها ایفا می‌کنند.



"پریشان"، زن ۲۵ ساله ایزدی، به دنبال فرار از دست‌تروریست‌های داعش فاش کرد: زمانیکه داعش به شهر سینجار- واقع در حومه موصل - حمله کردند، مردان ایزدی را به ضرب گلوله از پای درآوردند و زنان و دختران را به اسارت بردند؛ اما برخی مردان مانند شوهر من مجروح شدند. تروریست‌های داعش مردان مجروح ایزدی را به بیمارستانی که بارها در تبلیغات خود از آن به عنوان مجهز و مدرن‌ترین بیمارستان عراق یاد می‌کردند، انتقال دادند.



"ناصر" در بیمارستان تحت کنترل داعش اعدام شد



"پریشان" زن ایزدی موفق به فرار از دست داعش شد



"پریشان" از ناحیه آرنج هدف گلوله داعش قرار گرفت

زن ایزدی در ادامه افزود: هیچکدام از مردان مجروح در این بیمارستان تحت مداوا قرار نگرفتند. پزشکان داعش از آنها سوال می‌کردند آیا حاضر به عضویت در این گروه تروریستی و جان دادن در راه اهداف آنها هستند؟ در صورتیکه پاسخ مجروحان منفی بود، پزشک بدون اتلاف وقت سرنگی حاوی مواد سمی به بیمار تزریق و او را در بیمارستان اعدام می‌کرد. بسیاری از این اعدامی‌ها، مردانی با جراحتهای سبک بودند که حتی بدون مراقبت‌های پزشکی هم می‌توانستند زنده بمانند.

"ناصر"، همسر این زن ایزدی، نیز به همین شیوه در بیمارستان تحت کنترل داعش اعدام شد.

با حمله تروریست‌های داعش به سینجار، کادر درمانی بیمارستان این شهر از محل خدمت خود فرار کردند و به همین دلیل کنترل

کامل بیمارستان به دست تروریست‌ها افتاد. آمارهای غیررسمی نشان می‌دهد، داعش بیش از ۵ هزار مرد ایزدی را کشته و صدها زن و دختر را برده جنسی خود کرده است. بسیاری از نهادهای بین المللی حامی حقوق بشر، داعش را به نسل‌کشی ایزدی‌ها در عراق متهم کرده‌اند.



تبلیغات داعش از بیمارستان مجهز و مدرن تحت کنترل تروریست‌ها





21

زن ایزدی قربانی داعش، مستند میسازد

یک زن ایزدی که دو سال و نیم در عراق برده جنسی داعش بود، برای تهیه یک مستند راهی شهری شد که روزهای تلخی را در آن سپری کرده بود.



شیرین (سمت راست) و تهیه کننده بی بی سی (سمت چپ)



یک زن ایزدی به نام «شیرین» که بدست عناصر گروه تروریستی داعش ربوده شده بود و حدود دو سال و نیم را به عنوان برده جنسی در موصل عراق زندگی کرد، به همراه «استیسی دُلی»، تهیه کننده شبکه بی بی سی برای تهیه یک مستند راهی شهری شد که عذاب زیادی را تحمل کرده بود.

شیرین با بازدید از خانه ای که در آنجا اسیر بود، خاطرات تلخ روزهای اسارت خود را شرح داد و گفت که به مدت دو سال و نیم برده جنسی یک تروریست به نام «سیف» بود و به قدری ناامید شده بود که حتی ۴ بار تلاش کرد خودکشی کند و در نهایت پس از به هلاکت رسیدن تروریستی که او را اسیر کرده بود، در عملیات بازپس گیری موصل، توانست فرار کند.

شیرین در ادامه برنامه، گزارشگر و تهیه کننده بی بی سی را به یکی از محل های تجارت بردگان جنسی در موصل می برد و می گوید: در این محل ۱۰۰ زن همزمان به فروش می رسیدند. هنوز هم ۳۰۰۰ نفر آنها مفقود هستند.



شیرین



در بخش دیگری از این مستند، شیرین و استیسی با یک داعشی دیگر به نام «انمار» مصاحبه کردند. انمار که هم اکنون در بازداشت به سر می برد، در آن زمان به خانه شیرین حمله کرده و ۳ برده جنسی هم داشته است. این عنصر داعشی جنایت کار در ادامه اعتراف کرد که به ۲۵۰ زن و کودک تجاوز کرده است که سن برخی از آنها از ۱۵ سال هم کمتر بوده است.

شیرین به این تروریست داعشی گفت که به خاطر اشکی که از این دختران گرفته است، یک روز تاوان خواهد داد.

انمار نیز در این مصاحبه اعتراف کرد که برای پول به گروه تروریستی داعش پیوسته است. وی همچنین اعلام کرد که ۹۰۰ نفر را در طول مدت عضویت در گروه تروریستی داعش کشته است!

او در ادامه اعتراف کرد: ما ایست های بازرسی تقلبی ایجاد می کردیم و خودمان را پلیس نشان می دادیم. پس از آن، ۳۰ یا ۴۰ نفر را بازداشت می کردیم و آنها را پشت یک کامیون قرار می دادیم و آنها را می کشتیم.





22

سرنوشت تلخ دختر ایزدی در اسارت داعش



یک دختر ایزدی در مصاحبه با اسپوتنیک درباره مصیبت وحشتناکی که پس از اسیر شدن به دست داعشی‌ها با آن مواجه شده بود، سخن گفت.

خبرگزاری اسپوتنیک در مطلبی به توصیف سرگذشت یک زن ایزدی در بند داعش پرداخت و نوشت: «ام. ان. شملی»، یک دختر ایزدی است که به تازگی توسط ارتش عراق در سنجار نجات یافته است. او سه سال قبل به وسیله تروریست‌های داعش ربوده شد و

بارها مورد ضرب و شتم و تجاوز قرار گرفت و ۱۲ بار به عنوان برده جنسی خرید و فروش شد. او در مصاحبه با اسپوتنیک درباره مصیبت وحشتناکی که با آن مواجه شده بود، صحبت کرد.



شملی گفت: در سال ۲۰۱۴ در حالی که ۱۸ سال داشتم، عناصر گروه تروریستی داعش مرا ربودند. آنها خواهر ۶ ساله مرا نیز دزدیدند. پس از آنکه داعش به روستای ما در نزدیکی سنجار حمله کرد، من به همراه خانواده‌ام، محل زندگی را ترک کردیم. کمی دورتر خودروی ما توسط ۵ گروه داعشی محاصره شد. مدام التماس می‌کردیم که بگذارید برویم. ما را رها کنید. ولی آنها ما را به نزدیک یک پایگاه نیروهای آمریکایی که به تصرف داعش درآمده بود بردند و از آنجا به شلوم منتقل کردند؛ جایی که ده‌ها مرد ایزدی مقابل چشمانمان اعدام شدند. بقیه اسیران تقسیم شدند. مردها به سنجار منتقل شده و زنان از جمله مرا به تلعفر بردند.

شملی ادامه داد: پس از انتقال زنان به تلعفر، آنها را به مدرسه‌ای مخروبه بردند و با توسل به زور از ما خواستند از عقاید آنها حمایت کنیم؛ در غیر این صورت یا کشته و یا به عنوان برده فروخته می‌شدیم. یک دختر یزدی ۱۷ ساله که حاضر به پذیرش عقاید آنها نبود، کشته شد. آنها گلوییش را بریدند.



وی در ادامه گفت: پس از ۲۰ روز اسارت در تلعفر، به موصل منتقل شدیم. در آنجا زندگی سرشار از وحشت برای من آغاز شد و برای نخستین بار مرا به عنوان یک برده جنسی به یک نظامی داعشی فروختند. او دو همسر و چندین فرزند داشت. به مدت یک ماه آنجا بودم و بارها مورد ضرب و شتم و تجاوز قرار گرفتم. همسرانش جرات اعتراض نداشتند و مرا به انجام کارهای خانه وادار می‌کردند. پس از آن مرا به قیمت ۴۰ هزار دینار به یک افسر داعشی به نام ابو علاک فروختند. او نیز دو زن و دو پسر بزرگ

داشت که هر دو در خدمت داعش بودند. در خانه ابو علاک بارها مورد آزار و اذیت قرار گرفتم و پس از شش ماه به یک عنصر دیگر داعش فروخته شدم.

روند فروش شملی به عناصر داعش تا سه سال ادامه داشت و او در این مدت ۱۲ مرتبه بین اعضای داعش خرید و فروش شد.

وی گفت: زمانی که مرا به ابوتریاق فروختند، عملیات آزادسازی موصل به پایان خود نزدیک می‌شد. طی عملیاتی که در ژوئیه امسال انجام شد، فرصت آن را یافتم تا با استفاده از شرایط پرتنش جنگ به سمت محل استقرار ارتش عراق فرار کنم. پس از رسیدن به آنجا ماجرای خود را تعریف کردم. شماره تلفن پدرم را دادم و آن‌ها پدرم را خبر کردند.

شملی در پایان اظهاراتش گفت: حتی اگر اربابان داعشی خود را می‌کشتم، هرگز از دست بقیه آنها نمی‌توانستم رها شوم. اگر هم باقی می‌ماندم حتماً به عنوان سپر انسانی کشته می‌شدم. زمانی که خبر مرگ اربابان داعشی خود را شنیدم بسیار خوشحال شدم.





23

دختر ایزدی از اسارت در خانه ابوبکر بغدادی

دختر ۲۱ ساله ایزدی که به عنوان برده در خانه ابوبکر بغدادی سرکرده داعش حضور داشته می گوید بغدادی بیشتر اوقات انگلیسی صحبت می کرد.



یک دختر ۲۱ ساله ایزدی که مدتی در اسارت داعش بوده اعلام کرده ۲۰ روز در خانه «ابوبکر بغدادی» سرکرده داعش نگه داری می شده است.

«د.ع» از اهالی سنجار در استان نینوا بعد از حمله داعش به این منطقه به اسارت داعش در آمده روایت خود را از این حادثه به شبکه خبری «رووداو»، گفته است.

این دختر ایزدی گفته که بعد از اینکه به مدت ۵ روز در سنجار پنهان شده بوده به وسیله تروریست‌های داعشی به همراه خواهرش به تلعفر و بعد از آن به رقه سوریه منتقل شده است. وی که به همراه هزاران ایزدی به عنوان برده در یک مدرسه نگه داری شده می‌گوید که به همراه چند دختر دیگر به دلیل اینکه چشم‌های آبی و موهای طلایی داشته از دیگر اسرا جدا و به خانه بغدادی منتقل شده است.



د.ع می‌گوید داعش دختران اسیر را در محوطه‌ای جمع کرده و اعلام کرده که خلیفه برای بازدید خواهد آمد؛ وی ادامه می‌دهد: ما نمی‌دانستیم خلیفه کیست تا اینکه مردی وارد شد و بعد از اینکه همه را زیر نظر گرفت از سالن خارج شد، بعد از آن من و دو دختر دیگر را از میان ۶۰ دختری که آنجا بودند جدا کردند.

این دختر ایزدی می‌گوید که آنها را به خانه زیبایی در شهر رقه سوریه [محل حکومت گروهک تروریستی داعش] برده‌اند که هیچ پرچم و یا اثری از نگهبانان داعشی نبود و تنها چیزی که ما می‌دانستیم این بود که این خانه یکی از مسئولان بلندپایه داعش است، به ما گفته

بودند قرار است در این خانه خدمتکار باشیم ما تا آن زمان نمی‌دانستیم که این خانه سرکرده داعش است زیرا پیشتر تصویر یا عکسی از او ندیده بودیم.



وی ادامه می‌دهد به نظر می‌رسید این خانه بیشتر استراحتگاه بود زیرا رفت و آمد زیادی به آن نمی‌شد؛ بغدادی عموماً روزها در خانه بود اما شب‌ها خانه را ترک می‌کرد و نیمه شب بازمی‌گشت؛ غذای او را از محل دیگری می‌آوردند که از کیفیت خیلی خوبی داشت. دختر ایزدی درباره شخصیت سرکرده داعش نیز گفته: او به نظر آرام می‌آمد هیچگاه صدایش را بلند نکرد؛ اتاق مخصوصی داشت که در آن یک رایانه متصل به اینترنت بود، می‌دانستیم چیزی در آن اتاق هست زیرا به ما گفته بودند هیچگاه وارد این اتاق نشوید. وی ادامه داد که میهمانان بغدادی بیشتر داعشی‌های آمریکایی و بریتانیایی بودند که بعد از برگزاری جلسات خانه‌اش را ترک

می‌کردند؛ او (بغدادی) بیشتر به زبان انگلیسی صحبت می‌کرد و گاهی هم مطالعه می‌کرد. این دختر ایزدی یک فرار ناموفق از خانه بغدادی داشته و بعد از اینکه به چنگال تروریست‌های داعش می‌افتد بار دیگر به خانه بغدادی برگردانده شده است.



وی می‌گوید یک زن و دو فرزند که به نظر می‌رسید همسر و فرزندان بغدادی بوده‌اند در آن خانه حضور داشتند و یک زن میانسال نیز در آن خانه کار می‌کرد که به او در فرار کمک کرده بود. د.ع ادامه داد که بعد از اینکه برای بار دوم به دست داعش اسیر شده و به خانه بغدادی بازگردانده شده در یکی از شبها سرکرده داعش و نگهبانانش با عجله خانه را ترک کرده و او از این فرصت برای فرار مجدد استفاده کرده است.

این دختر ایزدی مدتی در خانه‌ای در سوریه خدمتکار بوده و نوامبر سال گذشته موفق شده با خانواده‌اش تماس بگیرد و بعد از آن به کردستان عراق بازگشته است.

خواهر این دختر نیز بعد از مدتی موفق شده از سوریه فرار کند و به کشورش بازگردد اما سرنوشت پدر، مادر، دو خواهر و سه تن از برادرانش که به دست داعش اسیر شده‌اند هنوز نامعلوم است.

د.ع می‌گوید وقتی به کردستان بازگشتم فهمیدم فردی که در خانه‌اش اسیر بودم ابوبکر بغدادی بوده و با دیدن تصاویرش بار دیگر ترس دوران اسارت به سراغم آمده است.

این دختر ایزدی به کمک یک سازمان حقوق بشری به اروپا سفر خواهد کرد تا در کشوری اروپایی پناهنده شود؛ د.ع می‌گوید دیگر نمی‌خواهد به کشورش بازگردد.



خاطرات تلخ

شبکه تلویزیونی سی ان ان اعلام کرد: اطلاعات چندانی درباره زندگی شخصی ابوبکر البغدادی رهبر داعش منتشر نشده است؛ اما به

تازگی «آتیکه شوبرت»، «خبرنگار سی ان ان»، توانسته است با یک دختر جوان فرقه ایزدی صحبت کند که نیروهای داعش او را به اسارت گرفته بودند.

این دختر، که زینت نام دارد، به خبرنگار سی ان ان گفت او را به خانه ابوبکر بغدادی بردند و در آنجا برای خانواده بغدادی پخت و پزی کرد و به نظافت خانه او مشغول بود.

این دختر ایزدی در آنجا با دیگر برده خانه بغدادی، یعنی یک دختر آمریکایی دیدار کرده بود.



زینت گفت: «یک روز دختر آمریکایی را دیدم که گریه می کرد. وقتی از او پرسیدم چرا گریه می کند او در پاسخ گفت بغدادی گفته است می خواهد او را به زور به عقد خودش در بیاورد و زن خودش کند و اگر این کار را نپذیرد او را خواهد کشت.»

وی افزود: «وقتی این سخنان را شنیدم تصمیم گرفتم فرار کنم. می خواستم او را هم با خودم فراری بدهم ، اما او نپذیرفت. وی به من گفت: اگر فرار کنم گردنم را خواهند زد.»

این دختر آمریکایی در نهایت کشته شد. داعش می گوید وی در حمله هوایی هواپیماهای اردنی کشته شد؛ اما مقامات آمریکایی می گویند این روایت درست نیست و خود داعش وی را کشته است.

درخواست های نامشروع حکام عرب از زنان سوری یک هنرمند زن سوری با انتشار نامه‌ای سرگشاده، به اظهارات آنگلا مرکل درباره علت سرازیر شدن سیل آوارگان به کشورهای اروپایی و عدم عزیمت آنها به کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس پاسخ داد.



به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، خانم می سکاف بازیگر مشهور سوری در پاسخ به اظهارات صدر اعظم آلمان، با تشکر از کمک

های این کشور به آوارگان فراری از مناطق ناآرام منطقه گفت: دلیل سرازیر نشدن آوارگان به برخی از کشورهای عربی، درخواست های بی شرمانه آنها بوده است.

پس از سرازیر شدن موج گسترده آوارگان به آلمان و اتریش، آنگلا مرکل صدر اعظم این کشور در انتقاد از عدم پذیرش آوارگان سوری و عراقی در کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس گفته بود: آوارگان سوریه و عراق به ما پناه آورده اند، در صورتیکه مکه به آنها نزدیکتر بود!

می سگاف هنرمند سوری در پاسخ به اظهارات صدر اعظم آلمان نوشته است: بله خانم مرکل! مکه، دبی، مسقط و عمان از برلین و کپنهاگ به ما نزدیکترند. آری! آنها پذیرفتند که به ما کمک کنند؛ اما مشروط به آنکه دختران، خواهران و حتی زنانمان را در اختیار آنها بگذاریم تا به عنوان کنیز، شب ها را با آنها سپری کنند. ولی ما سفر پرخطر در دریا و مواجهه با غرق شدن در امواج یا در کانتینرهای دربسته برای رسیدن به سرزمین شما را بر پذیرش چنین پیشنهاد مفتضحانه ای ترجیح دادیم.



هیلاری کلینتون: عذرخواهی نمی‌کنم

وزیر امور خارجه سابق آمریکا در واکنش به انتقادهای از به کارگیری سرور شخصی برای رایانامه‌های وزارت خارجه گفت این اقدامش قانونی بوده است.



به گزارش مهر به نقل از آسوشیتدپرس، هیلاری کلینتون در پی انتشار ایمیل‌های شخصی‌اش گفت نیازی به عذرخواهی در استفاده از سرور شخصی برای پست الکترونیکی‌اش در زمان تصدی‌گری وزارت خارجه نمی‌بیند چون کار غیر قانونی انجام نداده است.

کلینتون که در جریان مبارزات انتخاباتی‌اش در ایالت آیوا به سر می‌برد گفت این مسئله تأثیری در آینده شغلی‌اش نخواهد داشت. در رسانه‌های آمریکایی این مسئله مطرح شده بود که انتشار رایانامه‌های شخصی کلینتون روی نحوه تبلیغات وی برای انتخابات سال آینده ریاست جمهوری تأثیر گذاشته است.

شبکه ان بی سی به صراحت از هیلاری کلینتون خواسته بود که برای انتشار این پست های الکترونیکی و به خاطر سوءاستفاده از پست دولتی از مردم عذرخواهی کند. وی با این حال گفت چرا باید برای کاری که قانونی بوده عذرخواهی کند. وی افزود تمام اطلاعاتی که که فرستاده یا دریافت کرده جزء اطلاعات طبقه بندی شده محسوب نمی شدند.



ناکامی ملک سلمان در تغییر دیدگاه اواما

وزیر خارجه رژیم سعودی گفت که ملک سلمان شاه عربستان در نشست طولانی مدت خود با باراک اواما رییس جمهور آمریکا نتوانست نظر او را در مورد بحران سوریه تغییر دهد. به گزارش پایگاه اینترنتی شبکه تلویزیونی نبأ، عادل الجبیر در سخنرانی خود در مرکز علوم انسانی اندروملون آمریکا ضمن اعلام

این مطلب افزود: واشنگتن از انجام اقدام نظامی در سوریه حتی به طور غیرمستقیم استقبال نکرد.

بر اساس این گزارش، به نظر می‌رسد واشنگتن در طی سفر ملک سلمان به آمریکا می‌خواست حمایت خود از عربستان در حمله به یمن را با امتناع از اقدامات جنگجویانه مخالفان در سوریه از جمله ندادن تسلیحات به مخالفان به اصطلاح میانه رو در سوریه معامله کند.

سعودی‌ها در طی سفر یاد شده سعی داشتند میزبانان آمریکایی خود را نسبت به عقیم بودن دیدگاه مبتنی بر راه حل سیاسی در سوریه بدون ایجاد تغییر در موازنه قوا در صحنه عمل متقاعد کنند به ویژه با توجه به اینکه روسیه طی دو هفته گذشته بر حمایت نظامی خود از ارتش سوریه شدت بخشید.





24

فروش ۵۰ زن ایزدی به دست داعش

عناصر داعش ۵۰ زن از فرقه ایزدی‌ها در بازار الرق نزدیک گذرگاه مرزی ربیعه بین عراق و سوریه به فروش رساندند. به گزارش مشرق، گروه تروریستی داعش، ۵۰ زن از فرقه ایزدی‌ها را در بازاری در مرز عراق و سوریه به فروش رساندند. «ایمان الجبوری» رئیس سازمان‌های جامعه مدنی روز جمعه گفت: عناصر داعش ۵۰ زن از فرقه ایزدی‌ها در بازار الرق نزدیک گذرگاه مرزی ربیعه بین عراق و سوریه به فروش رساندند. الجبوری افزود: ما اطلاعات موثقی در اختیار داریم که هنوز ۱۲ زن کرد دیگر در اسارت داعش هستند و به زودی به فروش خواهند رسید.



پس از حمله عناصر داعش به منطقه سنجار در شمال عراق ده‌ها هزار از فرقه ایزدی‌ها به مناطق دیگر فرار کردند. تروریست داعش پس از یورش به این منطقه شمار زیادی از زنان و دختران را به اسارت گرفتند. منابع خبری گزارش دادند، عناصر داعش پس از ربودن زنان و دختران فرقه ایزدی‌ها هر یک از آنان را به قیمت ۱۰ دلار به فروش می‌رسانند.





اعدام ۴ پزشک توسط تروریست‌های داعش
 در پی مخالفت چهار پزشک عراقی با مداوای اعضای داعش که در درگیری با نیروهای پیشمرگه زخمی شده بودند، عناصر داعش آنان را در مرکز شهر موصل به ضرب گلوله کشتند.
 به گزارش پایگاه خبری نهرین از موصل، عبد الرحیم الشمری از نمایندگان استان نینوا در پارلمان عراق گفت ساکنان شهر موصل از اقدامات گروه داعش بسیار خشمگین هستند.
 الشمری افزود اهالی موصل ممکن است هر آن در برابر داعش قیام کنند چون آنان با اقدامات خود همه مرزها را زیر پا گذاشتند و مردم از دست آنان بسیار عصبانی هستند.
 این نماینده پارلمان تاکید کرد اهالی موصل منتظر حمله ارتش عراق به این شهر هستند تا در زمان مناسب علیه داعش قیام کنند.



هلاکت معاون سرکرده داعش در فرودگاه تلعفر

خبرگزاری فرانسه گزارش داد، فاضل احمد عبدالله ملقب به ابومسلم الترمکمانی، معاون ابوبکر البغدادی در حمله جنگنده‌های عراقی به فرودگاه تلعفر به هلاکت رسید.

همچنین منابع نظامی و پزشکی عراق روز جمعه اعلام کردند نیروهای کرد عراقی و مبارزان شیعه، پس از پاکسازی شهر سلیمان بک از تروریستهای داعش، گورهای جمعی کشف کردند که اجساد ۳۵ نفر در آنها بود.

هنوز زمان کشته شدن این افراد مشخص نیست، زیرا این شهر بارها از کنترل دولت خارج شده است.



25

روایت دختر ایزدی از جنایات هولناک داعش

یک دختر ایزدی از اهالی روستای "کوجو" در سنجار که توانسته از دست تروریست های داعش فرار کند جزئیات هولناکی از تعرض تروریست ها به طایفه اش مخصوصا زنان و دختران را روایت کرده است.



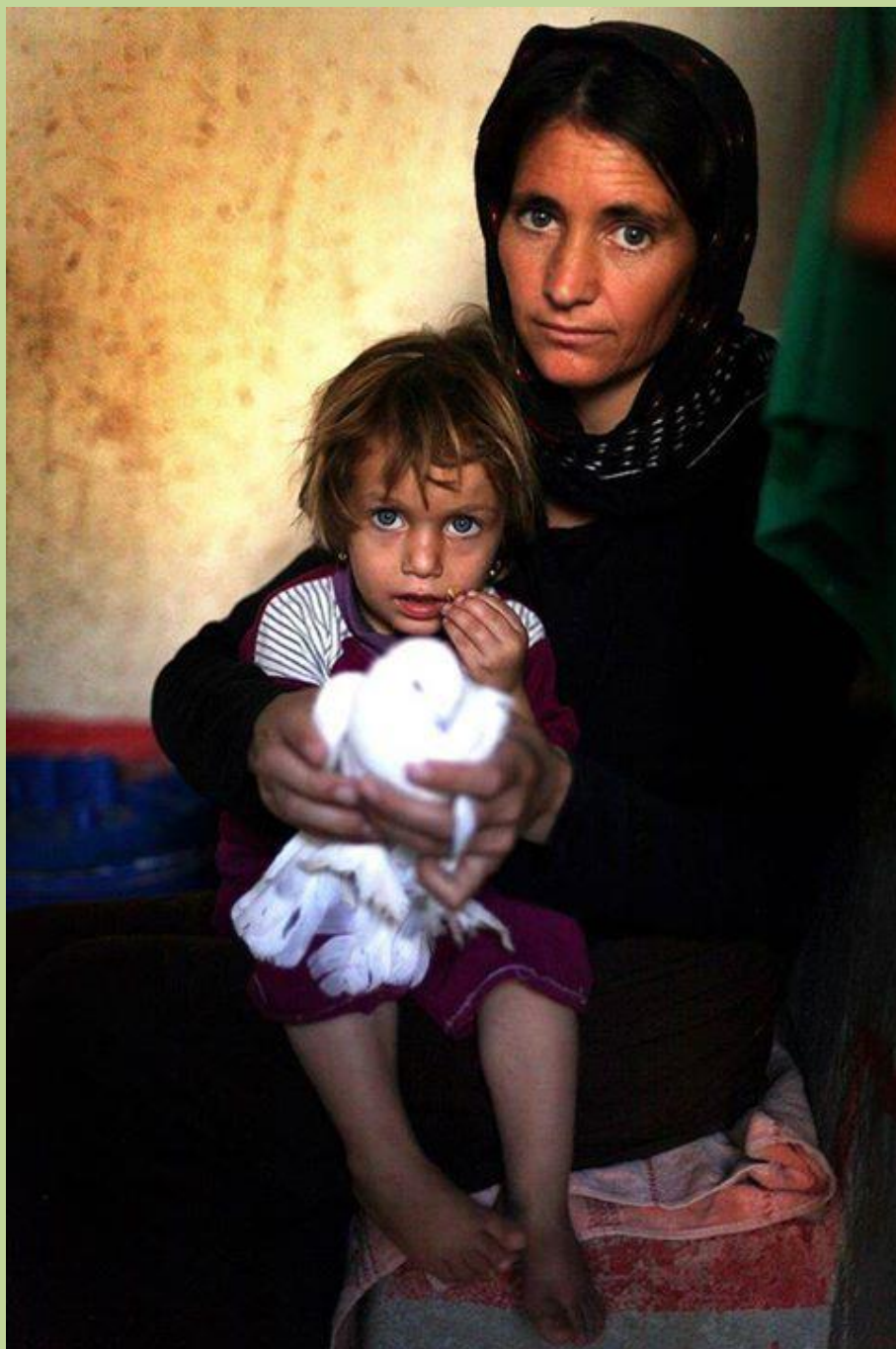
به گزارش مشرق، این دختر ایزدی در گفت و گو با شبکه کردی زبان "نیوز" گفته است که تروریست ها زنان و دختران ایزدی را به اسارت گرفته اند و هربار نیز سه تن از آنها انتخاب می شوند تا "امیر" داعش با آنان رابطه جنسی برقرار کند و پس از آن برای فروش به بازار بردگان برده می شوند تا سه نفر بعدی جایشان را بگیرد.

وی افزود: علاوه بر این، عناصر داعش زنان و دختران را برای خود مباح می دانند و با هرکدام از آنها که بخواهند رابطه جنسی برقرار می کنند یا به عنوان برده به فروش می رسانند و در حالی که عناصر داعش سایر زنان اسیر شده عراقی را به بهایی مابین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار به فروش می رسانند اما زنان ایزدی را به قیمت ۵۰۰ دلار می فروشند.

این دختر ایزدی که شاهد جنایت های بسیاری از سوی تروریست های داعش بوده تاکید کرد که هنگام اسیر شدن، برخی از زنان شاهد کشتار بی رحمانه مردان ایزدی توسط ترویست های داعش بوده اند و زنان نیز پس از اسارت به مکانی برده شده و زنان جوان و میانسال و متاهل از یکدیگر تفکیک شده اند.

وی افزود: ۱۵۰ نفر از این زنان به تلعفر منتقل شده اند که در میان راه مورد تعرض عناصر داعش قرار گرفته اند. گروهک تروریستی داعش در چند هفته گذشته حدود ۳۰۰ دختر و زن ایزدی را در عراق ربوده بود و آنها را در میان اعضای خود به عنوان اسرای جنگ تقسیم کرد و برخی را نیز به فروش رساند.





26

فروش زنان ایزدی در گروه‌های تلگرافی داعش



گروهک تروریستی داعش در ادامه جنایت‌های خود همچنان اقدام به فروش دختران و زنان ایزدی در گروه‌های تلگرافی می‌کند. تصویری که مشاهده می‌کنید مربوط به یکی از گروه‌های تلگرافی داعش است که در آن دختران و زنان ایزدی به فروش می‌رسند. این گروهک تروریستی به اقدامات جنایتکارانه و کشتار مسلمانان بیگناه بسنده نکرده و دختران بیگناهی که به اسارت گرفته را به طرز خفت‌باری به فروش می‌رساند. همانگونه که می‌بینید داعشی‌ها در این گروه مشخصات ظاهری و ویژگی‌های دیگر این دختران و زنان را ذکر و برای آنها مبالغی معادل ۷۰۰۰ تا ۷۵۰۰ دلار تعیین می‌کنند و در واقع آنها را به مزایده می‌گذارند.

این گروهک تروریستی در سال ۲۰۱۴ به چند روستا در شمال بغداد حمله کرد و تعداد زیادی از دختران و زنان ایزدی روستاهای کردنشین را به اسارت گرفت. علاوه بر تلگرام در پیام‌رسان واتس‌اپ نیز گروه‌هایی به این منظور توسط داعش تشکیل شده است.







منابع و مراجع

1. به گزارش فرادید به نقل از دیلی میل، دیلی اکسپرس، منبع Daily Mail ، ترجمه: وبسایت فرادید، مترجم: سبحان شکری، ترجمه: محمدرضا عسگری
2. با روزنامه «الغد»، مشرق
3. به گزارش گروه بین الملل باشگاه خبرنگاران جوان
4. به گزارش احیا نیوز به نقل از دویچه ویله آلمان؛ گزارش تازه سازمان عفو بین الملل
5. شبکه آفتاب نوشت
6. خبرگزاری فرات، دیرالزور
7. آفتاب نیوز، روزنامه "حریت" ترکیه
8. آفتاب نیوز
9. به گزارش گروه بین الملل فرهنگ نیوز
10. اولی ها
11. اولی ها
12. به گزارش جام جم آنلاین به نقل از ایسنا، به گزارش العربیه
13. به گزارش گروه بین الملل صدخبر به نقل از سایت لبنان ۲۴
14. اتاق خبر ۲۴: منبع: باشگاه خبرنگاران
15. اتاق خبر ۲۴: منبع: رکنا
16. شیعه نیوز
17. به گزارش «شیعه نیوز»، واشنگتن پست
18. وب سایت: ایران قلم، شبکه العالم، جام جم آنلاین
19. العالم
20. به گزارش ایران مطلب به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان
21. پایگاه خبری ریشه: منبع: باشگاه خبرنگاران، به نقل از دیلی میل
22. خبرگزاری اسپوتنیک، ایلنا
23. به گزارش فارس
24. به گزارش مشرق، منبع: ابنا
25. به گزارش مشرق، منبع: العالم
26. به گزارش جام جم آنلاین